



فرمان عاشورا

طوبی

استاد حسین گنجی

مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي هدانا لهذا
أما كنا لنجدن ما كنا نعبد
إلا الجبال والشلال
والأشجار والأصنام
والصنم
فلا اله الا الله
الحق المبرور
الذي لا يشركه
شيء في الربوبية
والله اعلم
بما كنا نعبد
والله اعلم
بما كنا نعبد

فرهنگ عاشورا در ظهور

مقایسه‌ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام

استاد حسین گنجی

گنجی ، حسین
فرهنگ عاشورا در ظهور: مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام
حسین گنجی - قم : مهدی جویان، ۱۳۸۹
۸۸ ص.

ISBN:978-600-92310-0-3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص [۸۷] - ۸۸ : همچنین به صورت زیر نویس
۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - ۳. واقعه کربلا، ۶۱ ق.
الف. عنوان. ب. عنوان : مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام
۴ ف ۹ گ ۴ / ۲۲۴ BP
۲۹۷/۴۶۲



انتشارات مهدی جویان

□ فرهنگ عاشورا در ظهور مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام

* مؤلف: حجت الاسلام حسین گنجی

* ناشر: مهدی جویان

* نظارت و چاپ: مصطفی یعقوبی

* صفحه آرائی: حجت الاسلام اسدی

* لیتوگرافی: اهل بیت علیهم السلام

* چاپخانه: جزایری

* چاپ اول: ۴۰۰ نسخه (۱۳۹۰)

* بهاء: ۱۵۰۰ تومان

دفتر مرکزی پخش

قم - خیابان معلم، جنب بیت حضرت امام خمینی (ره) انتشارات مهدی جویان

۰۹۱۹۷۴۵۱۹۶۰ - ۰۹۱۹۶۶۳۷۲۰۷ - ۷۸۳۲۸۶۹ - ۰۲۵۱

www.mahdijoyan313@yahoo.com

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
.....	۱
۱۷	اهداف مشترک.....
۱۸	دل شکسته آدم.....
۲۰	بیماری ابراهیم خلیل.....
۲۰	جنون عشق.....
۲۲	امام زمان <small>علیه السلام</small> در کتب انبیا.....
۲۳	یاد امام زمان <small>علیه السلام</small> در زیارت عاشورا.....
۲۴	لوط پیامبر در آرزوی امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۵	گریه بر سید الشهداء <small>علیه السلام</small>
۲۶	گریه‌های امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۷	تناسب رفتار.....

..... ۶ / فرهنگ عاشورا در ظهور.....

۲۸ دل‌های مضطر.....

۲۹ زاری و شیون.....

۳۰ زنده کننده فرهنگ کربلا.....

..... ۲

۳۲ عصر جهالت و نادانی.....

۳۴ نجات بشر از جهل و سردرگمی.....

۳۵ کمال خرد و اخلاق.....

۳۵ به پا داشتن نماز.....

۳۷ روح نماز.....

۳۸ استعانت از خدا.....

۳۹ عظمت خدا.....

۴۰ زکاتی فراگیر و بی نظیر.....

۴۲ بزرگ‌ترین معروف.....

۴۳ ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام.....

۴۳ احمد چلویی.....

۴۴ تفسیر کربلا.....

فهرست مطالب / ۷

۳

- اصلاح جامعه ۴۶
- مصلح جهانی ۴۸
- بندگی خدا ۴۹
- زمینه‌ساز حرکت فرهنگی شیعی ۵۰
- کارخانه انسان‌سازی ۵۱
- پدر بندگان خدا ۵۲
- پدر بندگان صالح ۵۳

۴

- برترین یاران ۵۷
- یاران سست عنصر ۵۸
- برترین اهل هر عصر ۵۹
- حق باوری ۶۰
- شیران بی‌شۀ کارزار ۶۲
- انقلاب الهی ۶۳
- دل‌های آهنین ۶۵
- ارادتی عاشقانه ۶۶

۸ / فرهنگ عاشورا در ظهور.....

یاران شیدایی ۶۷

اطاعتی خالصانه ۶۹

بوسه گه اهل نظر ۷۰

حمایت عاشقانه ۷۰

عبادت و راز و نیاز ۷۱

همچون زمزمه زنبور عسل ۷۲

یاد نماز ۷۲



تشابه یاران ۷۷

فلسفه قیام ۷۸

شهادتگاه عشاق ۷۹

تبرک عاشقانه ۸۲

فانی در ولایت ۸۴

کتابنامه ۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين ثم الصلاة و السلام
على سيد الانبياء و المرسلين و افضل السفراء المقربين و
حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد ﷺ و اله المعصومين
الطيبين الطاهرين الامجدين سيما مولانا بقية الله فى الارضين
روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء و اللعن الدائم
على اعدائهم الى يوم اللقاء

پیشگفتار

انه لا يجد عبداً حقيقه الايمان حتى يقلم ان
لاخرنا مالاولنا؛ بدون تردید هیچ بنده‌ای
حقیقت ایمان را درک نمی‌کند، مگر اینکه
به این باور قلبی برسد که آنچه برای اولین
ماست، برای آخرین ما نیز هست.

امام صادق علیه السلام، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين

با تفکر و اندیشه در تاریخ زندگی پیشوایان بزرگ شیعه و بررسی

شیوه‌های رفتاری و سیره‌های عملی آنان در هدایت جامعه و بررسی آیات

قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام به این نکته پی می‌بریم که همه این پیشوایان و

نگاهبان سنگر وحی و حافظان دین، یک هدف بزرگ را دنبال می‌کردند. و

این همان هدف بعثت انبیای الهی، به ویژه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است.

انبیا آمده‌اند تا انسان‌ها را از زیر یوق بندگی شیاطین و هواهای نفسانی

برهانند و تحت عبودیت خالق هستی قرار دهند و از انسان یک موجود الهی

بسازند و به تعبیر قرآن کریم:

و يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛^۱ و از دوش آنان بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود برمی‌دارند.

چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام هدف بعثت پیامبر اسلام را این گونه تبیین می‌فرمایند:

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ؛^۲ خداوند محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به حق مبعوث ساخت تا بندگانش را از پرستش بت‌ها خارج و به عبادت خود دعوت کند و آنها را از زیر بار طاعت شیطان آزاد ساخته، به طاعت خود سوق دهد.

بنابراین در این که همه ائمه علیهم السلام یک هدف را دنبال می‌کنند تردیدی نیست. بلکه همه آنان در آفرینش و فضل و دانش همسان و همانندند. و امام صادق علیه السلام چه زیبا به این حقیقت اشاره می‌فرمایند:

خَلَقْنَا وَاحِدًا وَ عَلَّمْنَا وَاحِدًا وَ فَضَّلْنَا وَاحِدًا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى؛^۳

۱ - سورة اعراف، آية ۱۵۷.

۲ - نهج البلاغه، خطبة ۱۴۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۹۹.

خلقت ما، علم ما و فضل ما، همه در نزد خدا یکی است. و همه ما در نزد خدای متعال یکی هستیم.

یعنی همه ما در فضائل و کمالات، در وحدت کامل به سر می‌بریم. امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره چهارصد و بیست فضیلت برای امامان معصوم علیهم السلام بیان می‌فرمایند که از وجود همه این فضائل در همه آنان حکایت می‌کند.

إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلُهُ وَ فَرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَاوِيَهُ وَ مُنْتَهَاهُ؛^۱ اگر از خیر و نیکی ذکری شود، اول و اصل و فرع و معدن و محل و مبدأ و منتهای هر خیر و نیکی شماست.

هرچند پیشوایان ما در فضل و فضیلت و هدف یکسان اند، لکن فراز و نشیب‌های جامعه و موقعیت‌ها و شرایط مختلف و متفاوتی که در عصر هر یک از آنان وجود داشت، سبب شد که هر کدام به شیوه‌ای فراخور آن شرایط و موقعیت‌ها رفتار کنند و وظیفه الهی خود را به بهترین نحو عملی سازند. از این رو دلیل تفاوت رفتاری هر یک از ائمه علیهم السلام را در هدایت جامعه، می‌توان در مقتضیات زمان جست و جو کرد.

۱ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

اگر می بینم امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه صلح کرد، در آن موقعیت، حیات دین خدا جز با آن میسر نبود. اگر می بینم امام حسین علیه السلام علیه یزید قیام نمود، احیای دین خدا در آن شرایط چنین اقتضا می کرد. بنابراین اگر امام حسن علیه السلام در همان شرایط امام حسین علیه السلام قرار می گرفت، همان شیوه قیام را پیش می گرفت و بالعکس.

در حقیقت این تفاوت‌ها مربوط به تجلیات و ظهور در این عالم ناسوت است و گرنه همه آنان یک نور و یک حقیقت اند، حقیقت کامله محمدیه. چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

كُنَّا وَاحِدًا مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ وَ رُوحَنَا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَوْلْنَا مُحَمَّدًا وَ
أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا وَ آخِرْنَا مُحَمَّدًا وَ كُنَّا مُحَمَّدًا؛ همه ما یکی
هستیم و از یک نور. روح ما از جانب خداست، اول ما محمد
است و میانه ما محمد است و آخر ما محمد است و همه ما
محمدیم.

با مقایسه شیوه‌های رفتاری ائمه علیهم السلام برای حفاظت و یاری دین خدا، شباهت نزدیکی بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام حضرت مهدی (عج الله تعالی

فرجه الشریف) می توان مشاهده نمود. اهداف مشترکِ قیام، ویژگی های یاران، شعارها،... همگی از این قرابت و شباهت تنگاتنگ حکایت می کند.

در این مباحث با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به برخی از این شباهت ها پرداخته ایم. باشد که با اهداف و ویژگی های مشترک این دو مصلح بی نظیر و این دو منجی بزرگ بشریت بیشتر آشنا شویم. مصلحی چون حضرت سید الشهداء علیه السلام که فرمود:

أَنَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى؛^۱ جز برای اصلاح
در امت جدم قیام نکردم.

و مصلح جهان بشریت حضرت بقیه الاعظم (عج الله تعالی فرجه الشریف).

أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمَلِ الصَّلَاحِ وَ الرَّضَا أَيْنَ الطَّالِبُ بِدُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ
وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا؛^۲ کجاست آن
مصلح امور عالم که پریشانی های خلق را اصلاح و دل ها را
خشنود می سازد؟! کجاست آن که از ظلم و ستم امت بر
پیامبران و فرزندان پیامبران دادخواهی می کند؟! کجاست
آنکه از خون جد بزرگوارش، شهید کربلا انتقام می گیرد؟!

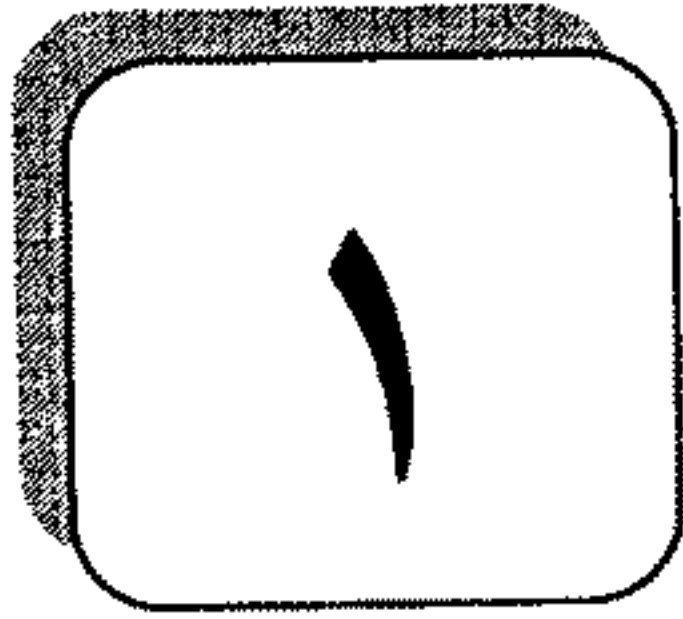
۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۲ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

قدم در کربلا بگذار و بستان
سر خونین دست نیزه داران
تو ای دست خدا با شصت قدرت
بگش تیر از گلوی شیرخواران
خدایا، به حق چهارده نور پاک و به مقام حضرت سیدالشهدا علیه السلام و
حضرت ولی الله الاعظم (عج الله تعالی فرجه الشریف) این قطره ناچیز و ذره
بی مقدار را بپذیر. آمین یا رب العالمین!

قم مقدس - زمستان ۱۳۸۹

حسین گنجی



فَعَلَى الْأَطْطَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَی
اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ وَآيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ
النَّالِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيَنْدَرْفِ السُّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ
الصَّارِخُونَ وَيَضِجِ الضَّالِّجُونَ وَيَعِجِ الْعَاجُونَ؛

پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی
که درود خدا بر هر دو ایشان باد، باید گریه
کنندگان بگرینند. و زاری کنندگان باید بر
آنها زاری کنند و برای امثال آنها اشکها
باید روان گردد و فریاد زنندگان فریاد زنند
و شیون کنندگان شیون کنند و خروش
کنندگان بخروشند. دعای ندبه

اهداف مشترک

وقتی به آیات کریمه قرآنی و احادیث و روایات مراجعه می کنیم، به
این نتیجه می رسیم که تمام اهداف مقدس حضرت ابا عبدالله حسین علیه السلام در
پیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد. این دو معصوم از نظر
ویژگی ها و اهداف و برنامه ها، اشتراکات و شباهت های فراوانی با هم دارند.

در ابتدای بحث یکی دو مورد را نام می‌بریم و آن گاه اهداف این دو امام معصوم را عنوان و مطرح می‌کنیم.

دل شکسته آدم

وقتی به آیات و احادیث و روایات مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که خدای منان مسائل و حوادث و جریانات کربلا را با همه انبیا و فرشتگانش در میان گذاشته است. جریان امام حسین علیه السلام اختصاص به این امت مرحومه ندارد، بلکه با همه انبیا عنوان و مطرح شده است.

به عنوان نمونه؛ اولین روضه‌خوان حضرت ابی عبدالله حسین علیه السلام جبرئیل امین است. او روضه خواند و حضرت آدم علیه السلام گریه کرد. وقتی نام‌های مقدس پنج تن را دید و جبرئیل نام پنج تن را یاد کرد، به نام نامی حضرت ابی عبدالله حسین علیه السلام که رسید، به جبرئیل امین فرمود: «یا اخی جبرئیل فی ذکر الخامس ینکسر قلبی و تسیل دموعی؛^۱ برادرم جبرئیل، چه شد که وقتی نام پنجمین آنان را بردی، دلم شکست و اشک چشمم جاری شد؟»

حضرت آدم علیه السلام - طبق بعضی روایات - چهل سال از ترک اولایی که از او سر زده و توبه‌اش پذیرفته نشده بود گریه می‌کرد، ولی وقتی نام نامی

پنج تن، مخصوصاً حضرت خامس آل عبا را دید، دلش شکست و توبه‌اش پذیرفته شد.

انسان با گناه از خدا جدا می‌شود و از فطرت فاصله می‌گیرد. وقتی استغفار کرد، دوباره به عالم قرب و عالم توحید باز می‌گردد. وقتی خدا بازگشت کند، دل می‌شکند.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ^۱؛ بی‌گمان خداوند هر قلب

محزون و اندوهگینی را دوست دارد.

از آن حضرت سؤال شد: «أَيْنَ اللَّهِ؛ خداوند کجاست؟» حضرت در

پاسخ فرمودند: «عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبِهِمْ^۲؛ من نزد دل‌های شکسته‌ام.»

آدم عليه السلام به دل شکن نیاز داشت. دل شکن، امام حسین عليه السلام بود. وقتی

دل آدم عليه السلام شکست، خدا با حضرت آدم آشتی کرد. گفت: الآن توبه‌ات قبول است.

وقتی حضرت آدم از جبرئیل امین سؤال کرد این آقا کیست که با نام او

۱ - بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۵۸.

۲ - همان.

دل من شکست و اشکم جاری شد؟ جبرئیل علیه السلام مصیبت و روضه تشنگی سید الشهداء علیه السلام را برای حضرت آدم خواند.

بیماری ابراهیم خلیل

در قضیه حضرت ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام آمده است که گفت: «اِنِّی سَقِیم»^۱ وقتی همه مردم گفتند: امروز روز عید است و ما داریم از شهر بیرون می‌رویم، تو هم بیا. ابراهیم گفت: من مریضم نمی‌توانم بیایم. «اِنِّی سَقِیم» یعنی مرض من مزمن و طولانی است. ابراهیم جوان بود. مریض نبود، بلکه صحیح و سالم بود. بعد از آن که مردم بیرون رفتند، بت‌ها را در هم شکست. این چه بیماری است که این همه بت را شکسته و تبر را هم روی دوش بت بزرگ گذاشته است!

در روایات چنین آمده است: «فَقَالَ اِنِّی سَقِیمٌ لَمَا یَحُلُّ بِالْحَسَنِ علیه السلام»؛^۲ من بیمارم، اما نه آن بیماری که شما گمان می‌کنید.

جنون عشق

حضرت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» در خطبه متقین

۱ - سوره صافات، آیه ۸۹

۲ - الکافی، ج ۱، ص ۴۶۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۰.

می فرماید: یک ویژگی اهل تقوا این است: «يَقُولُ لَقَدْ خُوِلَطُوا؛ مردم می گویند این ها قاطی کرده و دیوانه اند.»

مرحوم شیخ عبدالکریم حامد می فرمود: تا مردم تو را دیوانه ندانند، بدان که آدم نشده ای. مردم می گویند: نگاه کن بین می تواند پول را پارو کند، ولی اصلاً دنبال پول نمی رود! پشت پا به همه این ها زده. فلان منصب، فلان شغل، فلان ریاست را به او می دهند، ولی همه را رها کرده است. «و يَقُولُ لَقَدْ خُوِلَطُوا؛ مردم می گویند: این ها قاطی کرده اند. گاهی می بینید می زند زیر گریه. گاهی سر به بیابان می گذارد. آیا این دیوانه نیست؟! حضرت مولا فرمود: مردم راست می گویند، تکذیبشان نکنید. اما مردم نمی دانند چه چیزی موجب قاطی کردن این ها شده است.

«وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ؛ چیز بزرگی این ها را دیوانه کرده است.» امر توحید، امر قیامت، امر معنویت و انسان شدن این ها را دیوانه کرده است. مردم این مطلب را تمیز و تشخیص نمی دهند.

حضرت ابراهیم علیه السلام هم فرمود: «إِنِّي سَقِيمٌ» گفت: بله من بیمارم، اما بیمار مصائب حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام. «لِإِنِّي بِأَخْسَنِ النَّاسِ».

امام زمان علیه السلام در کتب انبیا

همان طور که مصائب و مسائل حضرت اباعبدالله علیه السلام با همه انبیا در میان گذاشته شده، خداوند مسائلی را هم که مربوط به حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام است، برای همه انبیا مطرح نموده است. همه انبیا می دانستند که خداوند وعده داده است که جهان را به دست قدرتمند و توانمند یوسف زهرای اطهر علیه السلام پر از عدل و داد کند.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ؛^۱ ما در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان

شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

این آیه مربوط به امام زمان علیه السلام است. خدای منان این مسأله را در «تورات» موسی علیه السلام و «زبور» داوود علیه السلام مطرح کرده است.^۲ این بدان معناست که مردم عصر موسی بن عمران هم مسأله امام زمان علیه السلام را می دانستند؛ چون تورات به دست آنها می رسید و با این قضیه روبه‌رو

۱- سورة انبياء، آیه ۱۰۵.

۲- از امام صادق علیه السلام درباره ذکر و زبور در این آیه سؤال شد. حضرت فرمودند: ذکر در نزد خداست و زبور کتابی است که بر داوود علیه السلام نازل شده است و هر کتابی که نازل شده است، نزد اهل علم است که ماییم. (الکافی، ج ۱، ص ۱۲۲، ح ۶).

..... یاد امام زمان علیه السلام در زیارت عاشورا / ۲۳

می شدند. سؤال می کردند سببها چه کسانی هستند. می گفتند: حضرت مهدی دوازدهمین جانشین حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله است.

یاد امام زمان علیه السلام در زیارت عاشورا

فلسفه غدیر خم معرفی امامت است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر سه مرتبه از ویژگی های امام زمان علیه السلام سخن به میان آورده است. زیارت عاشورا یادگار خداست. خدای منان زیارت عاشورا را فرستاده است. در زمان بنی امیه زیارت عاشورا را نمی توانستند برملا کنند؛ چون زمان، زمان تقیه بود. لذا پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین؛ امیرالمؤمنین به امام حسن؛ امام حسن به امام حسین؛ امام حسین به امام سجاد؛ امام سجاد به امام باقر علیه السلام به عنوان ودیعه و امانت سپردند. زمانی زیارت عاشورا را آشکارش کردند که بنی امیه داشتند نابود می شدند و بنی العباس روی کار می آمدند.

نام حضرت مهدی علیه السلام در زیارت عاشورایی که حدیث قدسی است و مربوط کربلاست، دو مرتبه آمده است. در یک جا فرموده اند: «فَأَسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ.» و در جای دیگر نیز چنین آمده است: «مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.»

حضرت سالار شهیدان نیز در روز عاشورا دو مرتبه نام امام زمان علیه السلام را

برده است.

حضرت امام العارفین، امام علی بن الحسین علیه السلام نیز در خطبه‌ای که در شام خواندند، از حضرت نام برده‌اند: «وَمِنَّا الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَقْتُلُ الدَّجَالَ؛ حضرت مهدی که دجال را می‌کشد، از ماست». نامش جهانی بوده؛ در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها.

لوط پیامبر در آرزوی امام زمان علیه السلام

جالب اینجاست که وقتی فرشتگان مأمور عذاب به منزل حضرت لوط علیه السلام آمدند، همسر حضرت لوط رفت داد زد و گفت: بیاید، مهمان تازه آمده است. اراذل و اوباش هم در خانه حضرت لوط جمع شدند. حضرت لوط موعظه کردند، اما آن‌ها زیر بار موعظه نرفتند.

چنان که قرآن نقل کرده است، حضرت لوط به گروه اوباش گفت: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»^۱ ای کاش برای من یک نیرو و توانی و یک پناهگاهی بود.» تا به آن پناهنده می‌شدم و دمار از روزگار شما اراذل و اوباش در می‌آوردم.

در روایات ما آمده است که مراد حضرت لوط از «قوة» و «رُکن شدید» امام زمان علیه السلام و یارانش بوده است.^۱ یعنی آرزو کرد ای کاش آن وعده‌ای که خدا به ما داده که در انتظار مصلح جهانی به سر ببرد، ای کاش آن مصلح جهانی و یاران آن مصلح جهانی الآن بودند! حضرت لوط می‌داند نیستند، ولی آرزو عیب ندارد. مگر من و شما آرزو نمی‌کنیم که «خدا کند که بیایی!» او هم آرزو کرده است که کاش در این عصر و زمانه ما حضرت و یارانش تشریف داشتند و من را از این شدت نجات می‌دادند. معلوم می‌شود مسئله امام زمان علیه السلام در همه اعصار و با همه انبیا در میان گذاشته شده است. مسجد سهله را ادریس پیغمبر ساخته است. او می‌دانست که روزی مهدی فاطمه خواهد آمد. اینجا را ساخت تا در آینده خانه امام زمان علیه السلام بشود. وقتی حضرت ظهور می‌کنند، مسجد سهله خانه حضرت می‌شود.

گریه بر سید الشهداء علیه السلام

دومین اشتراک گریه بر مصائب امام حسین علیه السلام است. گریه همراه با جزع و فزع و بی تابی مکروه و ناخوشایند است. انسان اگر گریه می‌کند، باید آرام آرام گریه کند. در گریه بر مصائب، جزع و فزع ممدوح و

۱ - امام صادق علیه السلام بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

پسندیده نیست. اما انسان اگر در مصائب ابی عبدالله الحسین علیه السلام با فریاد و زجه و ناله گریه کند، بسیار عالی است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ الْبُكَاءَ وَ الْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَا
الْبُكَاءَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ؛ بی گمان

هر گریه و جزعی در هر مورد برای بنده ناخوشایند است، جز
گریه بر حسین بن علی علیه السلام که دارای اجر و پاداش است.

گریه‌های امام حسین علیه السلام

این گریه متناسب با کار آن حضرت است؛ چون خود آن حضرت
چندین مرتبه در روز عاشورا بلند گریه کردند.

برای قمر بنی هاشم علیه السلام هم بلند بلند گریه کردند. در برخی از مقاتل
آمده است: هنگامی که عباس نزد برادر آمد تا اجازه میدان بگیرد، «فَبَكَى
الْحُسَيْنُ بَكَائاً شَدِيداً؛ حسین علیه السلام با صدای بلند گریست.» در بیان حوادث
کربلا نیز آمده است: «فَبَكَى الْحُسَيْنُ عليه السلام بُكَاءً عَالِياً؛ حسین با صدای بلند
گریست.»

تناسب رفتار

انسان باید متناسب با کربلا گریه کند. هر چیزی تناسبی دارد. اگر می‌خواهید به حرم امام رضا علیه السلام یا به زیارت مشاهد مشرفه بروید، فرمودند: قدم‌ها را آهسته بردارید. غسل کنید. لباس نو تن کنید. گرد و غبار لباس و چهره را از بین ببرید و خود را شست و شو بدهید. موها و محاسن را شانه کنید و وارد حرم بشوید. ولی در مورد کربلا گفته‌اند: با گرد و غبار و ژولیده موی و غبار آلود وارد حرم بشوید؛ متناسب با کار امام حسین علیه السلام.

این تناسب در مکتب اسلام خیلی زیبا و مهم است. ظاهر و باطن متناسب و هماهنگ است. اگر انسان جوامع بشری را نگاه کند، ظاهر و باطنش به هم نمی‌خورد. ولی ظاهر و باطن فرامین و احکام نورانی اسلام، همه هماهنگ و متناسب است.

مثلاً اسلام به ما می‌گوید: وضو بگیر و چهره‌ات رو بشوی. از آن طرف سی‌گوید: هنگام شستن صورت این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ نَسُودُ فِيهِ الْوُجُوهُ» خدایا، در روزی صورت‌ها سیاه است، مرا رو سفید کن! یعنی همزمان و هماهنگ با شستن صورت، با خدا هم صحبت

می‌کنی. خدایا چهره آبرو و فطرت‌م را هم شست و شو بده. دست راست و چپم را هم که می‌شویم، دعا می‌کنم و در خواستی هماهنگ و متناسب با اعضا از خداوند می‌کنم.

دل‌های مضطر

ظاهر و باطن تمام اسلام با هم تطبیق دارد. تناسبش عجیب است. وقتی نام مخصوص حضرت مهدی علیه السلام را می‌بریم، بلند می‌شویم و دست‌ها را روی سر می‌گذاریم. چرا دست روی سر می‌گذاریم؟ یک معنایش این است که مهدی جان! با نیامدنت به اضطرار رسیدم.

همه بدبختی‌ها و بیچارگی‌های جوامع بشری به خاطر غیبت امام زمان علیه السلام است. عامل غیبت هم ما هستیم. عرب وقتی مضطر و درمانده می‌شد، دست‌ها را روی سر می‌گذاشت. یعنی خدایا، راه چاره بسته شده است. دستم را روی سرم می‌گذارم و خبر از اضطرار باطنم می‌دهم.

پیام دیگر این است که مهدی جان، تو بیا، من تسلیم‌تم. انسان وقتی می‌خواهد تسلیم بشود، دست‌ها را روی سر می‌گذارد و اعلام می‌کند که من تسلیم‌م.

باز در اسلام آمده است که اگر می‌خواهی دعای کنی و از خدا چیزی

می خواهی، کف دست را به طرف آسمان بگیر و بگو: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» اما اگر بلا و سختی آمده است و ناراحتی و نگرانی شدید است، این گونه دعا کن: پشت دست را به طرف آسمان بگیر و دعا کن. یعنی خدا عذاب را نمی خواهم.

یا مثلاً اگر باران نیامده و مشکلاتی برای مردم رخ داده، برای نماز باران به صحرا می روند، عبا را پشت و رو می کنند. بعد از پشت و رو کردن، پایین عبا را روی دوش می اندازند. یعنی خدایا، نگاه کن بین من دارم دیوانه می شوم. پریشانم. چون هیچ کسی عبا را پشت و رو نمی اندازد. هر کس هم نگاه می کند می گوید حالش خوب نیست. یعنی خدایا، باران ندادی. باران بده تا حالم خوب شود. زندگی ام زیر رو شود و عبا را قشنگ رو دوشم بیاندازم.

زاری و شیون

ظاهر و باطن همه چیز دقیقاً به هم می خورد. آرام گریه کردن متناسب با کربلا نیست. فریاد و ضجّه زدن متناسب است. غبار آلود بودن، ژولیده موی بودن متناسب است. برای حضرت ولی الله الاعظم، امام زمان علیه السلام هم همین طور است.

فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ

إِلَهُمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَ إِيَاهُمْ فَلْيُنْدِبِ النَّادِبُونَ وَ لِمِثْلِهِمْ
فَلْتَذْرِفِ الدُّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ وَ يَضِجَّ الضَّاجُونَ وَ
يَعِجَّ الْعَاجُونَ؛^۱ پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی که
درود خدا بر هر دو ایشان باد، باید گریه کنندگان بگریند. و
زاری کنندگان باید بر آنها زاری کنند و برای امثال آنها
اشکها باید روان گردد و فریاد زنندگان فریاد زنند و شیون
کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان بخروشند.

اهل ندبه بسیارند. ندبه گریه با صداست. بعضی‌ها هم ضجّه می‌زنند.
بعضی‌ها عجه و فریاد می‌زنند. «وَ يَضِجُّ الضَّاجُونَ وَ يَعِجُّ الْعَاجُونَ.» این‌ها
اگر از روی واقعیت باشد بسیار ارزشمند است و خریدار دارد. خریدار آن
امام زمان علیه السلام است. بعضی‌ها الکی داد می‌زنند. این غلط است.

زنده کننده فرهنگ کربلا

این دو اشتراک را به عنوان مقدمه بحث، عنوان و مطرح کردیم. قرآن
چهار هدف جالب و زیبا را مطرح کرده که هر چهار هدف در کربلا وجود

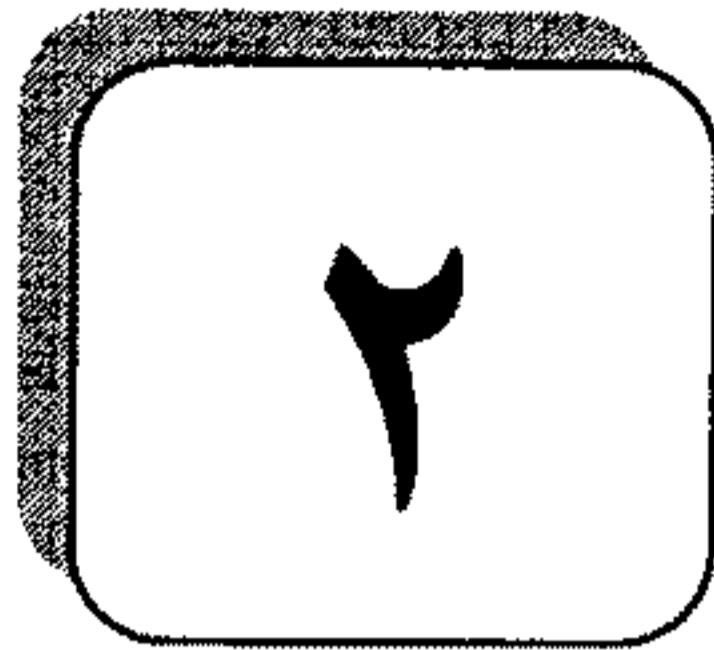
..... زنده کننده فرهنگ کربلا / ۳۱

دارد. اصلاً امام زمان علیه السلام تشریف می آورد تا فرهنگ کربلا را زنده کنند. فرهنگ کربلا چند درصدی در جامعه شیعه زنده است، اما صد در صد زنده نیست. حضرت می آیند تا فرهنگ کربلا را صد در صد در همه عالم و جهان بگسترانند و زنده کنند.

از شعار یارانش می توان به این نکته بسیار مهم پی برد. شعار هر ملتی نشان دهنده اهداف آن ملت است. مثلاً در شوروی شعارشان مربوط به شکم بود. شعار ما استقلال آزادی و جمهوری اسلامی بود. امام امت رضی الله عنه فرمودند: تمام مقصد ما مکتب ماست.

هر کسی شعاری دارد. ما از شعار یاران آن حضرت به اهدافشان پی می بریم. شعار مهم یاران آن حضرت «یا لثاراتِ الحسین» است.^۱ یعنی ای کسانی که در انتظار خون خواهی ابی عبدالله الحسین علیه السلام به سر می برید، امام زمان علیه السلام تشریف آوردند. یعنی حضرت در واقع برای کربلا، برای خون حضرت، برای پیام و اهداف حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام خواهد آمد.

۱ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۸۵؛ الامالی للصدوق، ص ۱۲۹.



الذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ
الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ همان کسانی که
هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیم نماز
را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به
معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه
کارها از آن خداست.

سوره حج، آیه ۴۱

عصر جهالت و نادانی

اشتراکات فراوانی بین حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و حضرت
مهدی علیه السلام وجود دارد. از آن جمله اهداف مشترک قیام ابی عبدالله
الحسین علیه السلام و قیام و انقلاب حضرت ولی الله الاعظم، امام زمان علیه السلام است.
ما در زیارت اربعین حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌خوانیم:

وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ
الضَّلَالَةِ؛ حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام خون دلش را برای

..... زنده کننده فرهنگ کربلا / ۳۳

تو داد،

تا اینکه بندگان تو را از جهالت و نادانی و از تحیر و سردرگمی نجات بدهد.

بنندگان خدا در آن عصر در جهالت و نادانی به سر می بردند. به قدری جاهل شده بودند که معاویه برای امام حسن مجتبی علیه السلام نامه نوشت که کسانی که دور من جمع شده اند و مرید من هستند، بین شتر نر و ماده را تشخیص نمی دهند. شتر نر را به عنوان ماده و شتر ماده را به عنوان شتر نر شهادت می دهند.

همین قضیه هم دقیقاً رخ داده است. آن عرب بیچاره پیش معاویه آمد و شکایت کرد. به معاویه گفت: اطرافیان تو شتر من را دزدیده اند. از او سؤال کردند: شتر تو نر بوده یا ماده؟ گفت: شتر من نر بود و شتر را هم می دید و می گفت همین شتر من است. چند نفر در همان جلسه شهادت دادند که این شتر ماده هست، با این که شتر نر بود.

عایشه مادر مؤمنین شده بود و معاویه هم دایی مؤمنین. از او به عنوان کاتب و نویسنده وحی یاد می کردند. و حتی احیاناً مردم شام از معاویه به عنوان خود رسول الله یاد می کردند. می گفتند: تو پیغمبر ثانی هستی.

شما ببینید کسانی که از کربلا بهره بردند، هنوز هم در جهالت و نادانی

به سر می‌برند. می‌گویند: اگر سلطان مملکتی شراب‌خور و قمار باز باشد، اولی الامر است. هیچ شرطی برای سلطان و حاکم مملکت قائل نیستند و حتی او را اولی الامر می‌دانند. اهل سنت می‌گویند: «أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» سلاطین هستند. ای کاش می‌گفتند: علما اولی الامر هستند. می‌گویند: هر کسی بر تخت سلطنت و حکومت نشست، اولی الامر است و باید با همه وجود فرمانش را اجرا کرد. این قضیه و جریان از بنی امیه معاویه و یزید و امثال آنها باقی مانده است.

نجات بشر از جهل و سردرگمی

فلسفه قیام امام حسین علیه السلام این بود که بشر را از جهالت و نادانی رهایی دهد. البته بسیاری هم رهایی پیدا کردند. در دنیا هم هر کجا می‌خواهند از جهالت و نادانی نجات پیدا کنند، باید کربلا را به عنوان اسوه و الگوی خود قرار بدهند. این فلسفه قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام و این شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام: «يَا نُثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» خون خواهان امام حسین علیه السلام کجایند تا حضرت را یاری کنند.

شعار دومی هم دارند که می‌گویند: «أَمِثْ أَمِثْ» یعنی بیمران بمیران. همین شعاری که این روزها در همه دنیا می‌گویند؛ مرگ بر آمریکا. یاران

حضرت هم شعار می دهند که جهل و نادانی را بمیران. یعنی ما آمده ایم تا جهل و نادانی را برداریم. قوانین جاهلیت و رسول قلدری را بمیران.

کمال خرد و اخلاق

قیام امام زمان علیه السلام دقیقاً تابع و پیرو قیام امام حسین علیه السلام است. امام زمان علیه السلام می خواهد جهل و نادانی را از بین ببرد و بشر را در اوج معارف و علوم و دانش قرار بدهد. برای تحقق این مهم امام زمان علیه السلام دستی به سر همه می کشند. یعنی عنایت و توجه اش به همه جهانیان و به همه عالم می رسد. در حقیقت دو ویژگی در بشر جمع می شود: یکی این که عقل بشر کامل می شود و دیگر این که اخلاقشان کامل می شود و خود به خود جهالت و نادانی از بین خواهد رفت.

به پا داشتن نماز

از دیگر اشتراکاتی که بین امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام وجود دارد، همان چیزی است که در زیارت نامه حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام می خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ یا ابا عبدالله من شهادت می دهم نماز را به

پا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی.

گاهی بعضی از افراد می گویند امام حسین علیه السلام فدای نماز شد. اما نمی گویند فدای چه نمازی شد. شما یک مورد پیدا نمی کنید که در قرآن آمده باشد که نشانه اهل تقوا این است: «الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الصَّلَاةَ»؛ اهل تقوا و اهل ایمان نماز می خوانند. در زیارتنامه حضرت هم نداریم.

حسین جان شهادت می دهم که نماز خواندن را به مردم یاد دادی. حر بن یزید ریاحی به کربلا آمد حضرت به او فرمودند: تو و لشکریانت نماز بخوانید، ما هم می خوانیم. عرضه داشت: یا حسین، ما به شما اقتدا می کنیم. نمازمان را با شما می خوانیم. شما را قبول داریم.

اهل سنت گاهی بیش از ما نماز می خوانند، ولی نمازشان نماز نیست. یزید هم یک روز صبح آمد بیش از چهار پنج رکعت نماز خواند. به یزید گفتند: نماز صبح دو رکعت است، چرا این همه نماز؟ گفت: امروز خیلی کیفور و سرحالم. می خواهم زیاد بخوانم.

الآن هم که اهل سنت نماز تراویح می خوانند، دو ساعت و نیم، سه ساعت طول می کشد. اما این نماز بدعت و حرام و گناه است. هر رکعت که می خوانند برای آن ها گناه می نویسند. این نماز فرمان خدا نیست. نمازی

است که عمر به بدعت گذاشت و از خودش در آورد.
حضرت برای قرائت و خواندن نماز قیام نکرد. این نکته جالب و ظریف
است. «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» فرق است بین اقامه و قرائت. اقامه یعنی
برپاداشتن. «أَقَامَ وَلِيَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» یعنی پیامبر دست امیرالمؤمنین
را گرفت و بلند کرد و به جای خودش قرار داد. «قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» یعنی
حسین جان تو به نماز پا دادی و این نماز با پا در جامعه شیعی حرکت کرد.
این نماز روح دار و جان دار را زنده کرد.

روح نماز

اقامه نماز یعنی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». چشم انسان باید خدا را
بندگی کند. اگر هرزه نبود و از حرام چشم پوشید، این چشم بنده خداست.
اگر چشم چیزی را که نباید ببیند دید، و به حرام توجه کرد، این چشم بنده
شیطان است. عبدالله نیست. گوش اگر به موسیقی گوش داد، به تهمت
گوش داد، به غیبت گوش داد، این گوش بنده خدا نیست، بنده شیطان
است. اگر حرف خدا را گوش داد، ادعیه را گوش داد، این گوش عبدالله
است.

این که فرمودند بگو «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، یعنی زبانم، چشمم، گوشم، دستم،

فکر، دلم و همه وجودم و هستی‌ام تو را بندگی می‌کند. حضرت رسول
الله ﷺ در سجده می‌فرمودند:

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خِيَالِي وَ آمَنَ بِكَ فُؤَادِي؛^۱ خدایا، سرا
پای وجود و خیالم تو را سجده می‌کند و دلم به تو معتقد
است.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی همه جوارح و اعضايم تو را بندگی می‌کند. روح نماز
این است.

همان عبادتی که امام العارفین، حضرت علی بن الحسین علیه السلام وقتی که
مؤذن الله اکبر را گفت فرمود: «شَهِدَ بِهَا شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ
بَشْرِي؛^۲ موی من و پوست من و گوشت من و خون من و همه وجود من
شهادت می‌دهند به این که خدا بزرگ‌تر از آن است که به وصف در آید.»

استعانت از خدا

گاهی انسان با زبان می‌گوید: خدایا، کمکم کن، ولی با دل به دیگران
می‌گوید: کمکم کن. در مقام عمل به سراغ این و آن می‌رود. این «إِيَّاكَ

۱ - الکافی، ج ۳، ص ۳۲۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷.

نَسْتَعِينُ» را خوب نگفته است. درست ادعا نکرده است. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

یعنی

خدایا، همه اعضايم از تو مدد می خواهد. چهره ام به جانب تو برافراشته شده،

و دستم به جانب تو دراز شده؛ «فَالْيَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ

مَدَدْتُ يَدِي». ^۱ دلم و فکرم به جانب توست. «أَقَمْتُ الصَّلَاةَ» یعنی کرنش در

برابر خدا، یعنی در برابر غیر خدا کرنش نکن.

عظمت خدا

«أَقَمْتُ الصَّلَاةَ» یعنی «الله اکبر»، هر چه غیر از خداست پشت سر بیانداز.

فقط بگو خدا بزرگ است. «أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ»، یا «أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ».

این عبارت در دعای جوشن کبیر هم آمده است.

امام حسین علیه السلام به کربلا نیامدند تا به مردم بگویند نماز بخوانید. آمدند

بفرمایند محتوای نماز و دستورات نماز و پیام نماز و اخلاق نماز و عرفان و

سلوک نماز را در زندگی پیاده کنید. کسی که می گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ

الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» از خدا به عنوان عظیم یاد می کند و معنایش این است:

«عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا ذُوْنَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛» خدا در جانشان بزرگ است و هر چه غیر خداست، در چشمشان کوچک است. یعنی به جانشان نرفته است، بلکه با چشم می‌بیند. کوچک هم می‌بیند. هیچ چیزی را در برابر خدا بزرگ نمی‌بیند. و امام حسین علیه السلام برای چنین نمازی آمدند. «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ».

زکاتی فراگیر و بی‌نظیر

«وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ؛» شهادت می‌دهم که زکات دادی. معنای این جمله از زیارت نامه چیست؟ اگر مراد این باشد که امام حسین علیه السلام زکات مالش را می‌داد، می‌گویند: این هنر نیست. اگر به شما بگویند آیت الله بهالدینی یا آیت الله بهجت - رضوان الله تعالی علیهما - نماز می‌خواندند یا زکات می‌دادند می‌گویند: اگر این‌ها نماز نخوانند یا زکات ندهند، پس چه کسی باید نماز بخواند یا زکات بدهد! این‌ها که تعریف نشد. اگر بگوییم: حسین جان، شهادت می‌دهم تو زکات می‌دادی! اگر امام حسین علیه السلام زکات ندهد، پس چه کسی زکات بدهد! بنابراین «آیت الزکاة» معنایی فراتر و گسترده‌تر از این معنا دارد، زکاتی همه جانبه و فراگیر. علم، زکات دارد. زکات علم و

دانش، نشر آن است.

آبرو زکات دارد. زکات آبرو این است که انسان آبرویش را پیش این و آن گرو بگذارد و به نفع مؤمنین و مسلمین استفاده نماید. قدرت زکات دارد. زکات قدرت این است که انسان حق مظلوم را از ظالم بگیرد و در برابر ظالم بایستد و از مظلوم دفاع کند. ریاست زکات دارد. اموال زکات دارد. جسم انسان زکات دارد. زکات جسم عبادت خداست، نماز و روزه است.

در روایتی آمده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ»^۱ برای هر چیزی زکاتی است. و زکات اشیا را شمرده‌اند. بنابراین، اگر می‌گوییم «وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ»، یعنی حسین جان زکات مالت را دادی، زکات علمت را دادی، زکات زبانت را دادی، زکات عمرت را دادی، زکات آبرویت را دادی، زکات جسمت را دادی، زکات بچه‌هایت را دادی، بچه‌هایت را به شهادت رساندند. علی اکبر، علی اصغر، برادرانت. خودت سر دادی، انگشت دادی، انگشتت دادی. من شهادت می‌دهم که تو یک زکات بی نظیری دادی. و احدی چنین زکاتی نداده است.

بزرگ‌ترین معروف

شهادت سوم: «وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ» فرمان به خوبی‌ها را صادر کردی. «امر به معروف کردی. این معروف چه بود؟ این معروف امامت و ولایت بود. امام حسین علیه السلام به کوفه و کربلا آمد برای این که امامت امیرالمؤمنین و امامت برادر و خود و فرزندان را معرفی کند و به اثبات برساند. مردم کوفه به حضرت نامه نوشتند که آقا جان بیا، ما رهبر نداریم، امام نداریم، یزید را به امامت قبول نداریم.

سی هزار نامه در رابطه با موضوع امامت و ولایت آمده است. حضرت در مدینه و مکه و در مسیر کربلا فرمودند من برای نماز و روزه و حج و جهاد آمده‌ام. بلکه فرمود: یزید من را به بیعت مجبور کرد و من با یزید هرگز بیعت نمی‌کنم. یعنی یزید شایستگی خلافت و رهبری جامعه را ندارد. رهبریت از آن ماست. در نامه‌ای هم که به مسلم ابن عقیل نوشته بود، همین بود: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ»^۱ به بخشاینده عمرم سوگند که امام و پیشوا جز حاکم به کتاب نیست. امام با قرآن حکم می‌کند، عالم به قرآن است و از ناحیه خدا حاکم شده است. این امر به معروف حضرت بود.

..... بزرگ‌ترین معروف / ۴۳

نهی از منکر حضرت هم خود یزید و دستگاه بنی امیه بود. حضرت آمدند داد بزنند که سراغ این منکر نروید و با این منکر مبارزه کنید.

ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام

ما در این جملات چهار موضوع را در رابطه با قیام آن حضرت متوجه می‌شویم. اکنون بیاییم به سراغ آقا امام زمان علیه السلام. این آیه کریمه مربوط به یاران امام زمان علیه السلام است که اگر آنان بر مسند قدرت بنشینند چه می‌کنند.

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۗ

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

اگر قدرت و تمکن و توان به یاران آن حضرت بدهیم، اقامه نماز می‌کنند. یعنی نماز و حقیقت پیام‌ها و برنامه‌های نماز را زنده می‌کنند.

احمد چلویی

شیخ عبدالکریم حامد می‌فرمودند: مرحوم شیخ رجبعلی خیاط یک

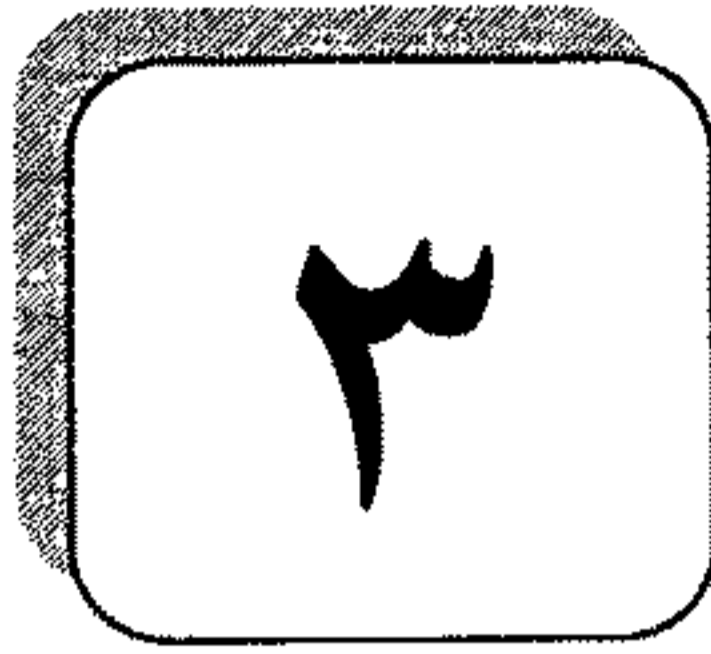
رفیقی به نام احمد چلویی داشتند. به دیدن او رفتیم. احمد چلویی کسی بود که یک وقتی قهر کرد و خواست از تهران بیرون برود. وقتی اثاث و وسایل را جمع کرد. فرشته‌ای ندا داد که احمد چلویی برگرد. خدا به برکت تو عذاب را از تهران برداشته است. در تهران بمان. برای مردم تهران مفیدی. او کسی بود که بالای چلوکبابی‌اش نوشته بود، چلو کباب نسیه داده می‌شود. پول دستی هم قرض داده می‌شود. آیا شایسته نیست که این آقا مانع زلزله و عذاب باشد و به برکت او خدا عذاب را بردارد. بعضی هم می‌نویسند نسیه داده نمی‌شود، حتی به جناب‌عالی. بعد هم اعلامیه پخش کردند که نسیه مرد، سالگرد نسیه را هم گرفته‌اند. البته مردم هم بد عمل می‌کنند. پول را می‌برند می‌خورند و نمی‌دهند.

تفسیر کربلا

ان شاء الله یوسف زهرای اطهر بیاید و هم کربلا را تفسیر می‌کند و هم کربلا را در همه جهان آفرینش بگستراند و پیام کربلا را برای همیشه و برای همه انسان‌ها تفسیر و تشریح و تبیین کند. لذا از کربلا شروع می‌کند. وقتی در خانه خدا قرار می‌گیرد، به خانه خدا تکیه می‌دهد و بعد از یک معرفی اجمالی شروع به روضه خواندن می‌کند، یعنی من هم برای کربلا آمده‌ام.

..... ویژگی های یاران مهدی علیه السلام / ۴۵

آمده ام دلها را به سوی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام سوق بدهم.
جالب اینجاست که حضرت سیصد و ده سال حکومت می کند و امام
حسین علیه السلام اولین نفری است که رجعت می کند. حضرت بر مسند حکومت
می نشیند و چهل و هشت هزار سال حکومت می کند.
ان شاء الله حضرت بیاید، زمان رجعت هم شروع شود و خدا منتهی بر ما
بگذارد و ما هم باشیم.



إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا
ظَالِمًا إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ
جَدِّي ﷺ؛ مِنْ بَرَايِ تَكْبَرٍ وَ خَوْشِ كُذْرَانِي
وَ ظَلَمٍ وَ سْتِمٍ وَ بَرَايِ إِيجَادِ فِسَادٍ وَ فِتْنَةٍ
خُرُوجٍ وَ قِيَامٍ نَكْرَدَمٍ. مِنْ بَرَايِ إِصْلَاحِ أُمُورِ
أُمَّتِ جَدَمِ ﷺ حَرَكَتِ كَرَدَمٍ.

امام حسین علیہ السلام

اصلاح جامعه

یکی از اشتراکات میان این دو امام معصوم، اهداف مشترک در قیام و در انقلاب است. حضرت ابی عبدالله الحسین علیہ السلام برای اصلاح جامعه حرکت فرمودند. در وصیت‌نامه‌ای که برای محمد حنفیه نوشته‌اند، چنین آمده است:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا؛ مِنْ بَرَايِ
تَكْبَرٍ وَ خَوْشِ كُذْرَانِي وَ ظَلَمٍ وَ سْتِمٍ وَ بَرَايِ إِيجَادِ فِسَادٍ وَ فِتْنَةٍ
خُرُوجٍ وَ قِيَامٍ نَكْرَدَمٍ.

فلسفه قیام من این است:

وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛^۱ من برای

اصلاح امور امت جدم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حرکت کردم.

امور امت به واسطه رهبری بنی امیه به فساد و تباهی کشیده شده بود. برای امت چیزی باقی نگذاشته بودند. حتی نماز را به بازی گرفتند. یزید آمد و شش الی هشت رکعت نماز صبح خواند. وقتی به یزید گفتند نماز صبح دو رکعت است، چرا هشت رکعت خواندی؟ گفت: امروز کیفورم. شراب بیشتر خورده بود و سر حال بود.

مرحوم علامه امینی رَحِمَهُ اللهُ در «الغدیر» آورده‌اند: ولید یک روز در عین حالی که نیاز به غسل جنابت داشت و باید می‌رفت و غسل جنابتش را انجام می‌داد، آمد و در محراب عبادت ایستاد. مردم هم به او اقتدا کردند. بعضی اعتراض کردند و شهادت دادند که ولید عمل خلاف و نامشروع انجام داده و بدون غسل آمده و در محراب عبادت قرار گرفته است. هر چند به نظر اهل سنت عمل نامشروع وی، ضرری به نماز جماعتش نمی‌زند. چون اهل سنت وقتی در خدا عدالت را شرط ندانند، روشن است که لازم نمی‌دانند

۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

که امام جماعت عادل باشد. اگر فاسد بود، شراب می خورد و قمار باز بود و آمد جلو ایستاد، مانعی ندارد. می توان به او اقتدا کرد. ایراد این ها به این بود که به غسل جنابت نیاز دارد. آن وقت آمده و نماز خوانده است. این بلایی است که به سر اسلام آوردند.

مصلح جهانی

حضرت فرمود: من برای اصلاح جامعه حرکت کردم. این فلسفه قیام حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بود. حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام نیز برای اصلاح جامعه می آید. از این رو یکی از القاب زیبای حضرت مصلح است. **أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا؛** کجاست آن مصلح امور عالم که پریشانی های خلق را اصلاح و دل ها را خشنود می سازد.

می گوئیم: مصلح جهانی می آید و جهان را به صلاح و شایستگی سوق می دهد و جوامع بشری را اصلاح می کند. این هم یک اشتراک بین امام حسین و امام زمان علیه السلام .

بندگی خدا

این نکته جالب و زیباست که یکی از کنیه‌های حضرت امام حسین علیه السلام ابا عبدالله است. بیش‌ترین نامی که از حضرت در زیارت عاشورا برده شده، کنیه ابا عبدالله است.

چرا به آن حضرت ابا عبدالله می‌گویند. مرحوم علامه، میرزا ابوالفضل تهرانی، شاگرد میرزای بزرگ شیرازی، در کتاب «شفا الصدور فی شرح زیارت العاشورا» می‌فرماید: از این نظر به آن حضرت ابا عبدالله می‌گویند که همه بندگان خدا سر سفره کربلای او نشسته‌اند. اگر نبود قیام و شهادت او و یارانش، در جهان یک نفر به نام عبدالله و بنده خدا نداشتیم. همه عبدالشیطان، عبدالدنیا، عبدالبطن، عبدالدرهم و دینار می‌شدند. چون وقتی یزید آن حرکات را از خود نشان دهد و بگوید:

لَعَيْتَ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيَ نَزَلَ؛^۱

بنی هاشم با حکومت و سلطنت بازی کردند؛ نه وحی آمد و نه قرآنی و نه خبر آسمانی.

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۷.

این‌ها همه‌اش دروغ است. اگر رهبر یک نظام این حرف‌ها بزند، بعد از چند سال فاتحه دین خوانده می‌شود.

زمینه‌ساز حرکت فرهنگی شیعی

خود حضرت هم فرمودند:

وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بَلَّيْتَ الْإِسْلَامَ بِمِثْلِ يَزِيدٍ^۱ وَ بَايَدَ بَا

اسلام وداع و خداحافظی کرد، وقتی مبتلا به رهبری همچون یزید بشود.

پس قیام حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بنی امیه را رسوا کرد. خط یزید و بنی امیه را باطل کرد و خط خدا را ترسیم نمود و به تصویر کشید. اصلاً خون امام حسین علیه السلام زمینه ساز حرکت فرهنگی امام باقر و امام صادق علیهما السلام شد، و گرنه زمینه فرهنگی برای شیعه حاصل نمی‌شد.

حضرت خورش را تقدیم کرد. کم کم مردم مدینه و کوفه و شهرها پرسیدند این یزید فاسد و فاجر و این بنی امیه چه می‌گویند! غیر از بدبختی و نکبت برای جامعه چه به ارمغان آورده‌اند؟!

قیام مختار، و پیش از آن قیام حرّه شروع شد. تمام بنی امیه و از جمله

۱- لهوف سید بن طاووس، ص ۲۰، مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۵.

فرماندار بنی امیه را از شهر مدینه بیرون کردند. به جز قیام حره و قیام مختار حرکات دیگر هم به وجود آمد. فرزند مالک اشتر، ابراهیم بن مالک قهرمان، علیه حکومت بنی امیه حرکت کرد. حکومت بنی امیه تضعیف شد. بنی العباس هم از آن طرف حرکت کردند و زمینه مساعدی برای امام باقر و امام صادق علیه السلام به وجود آمد تا فرهنگ سازی کنند. شیعه هر چه دارد از امام باقر و امام صادق علیه السلام دارد. خون امام حسین علیه السلام زمینه فرهنگی را برای امامان معصوم آماده کرد. لذا می‌گوییم: «السلام علیک یا ابا عبدالله!» اگر قیام امام حسین علیه السلام نبود، این زمینه فرهنگی وجود نداشت. این یک معنای ابا عبدالله است.

کارخانه انسان‌سازی

مؤسس حوزه علمیه قم، مرحوم شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله وقتی می‌خواست نماز بخواند عرضه می‌داشت:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ؛ سلام

بر تو یا ابا عبدالله، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی.

و تکبیره الاحرام می‌گفت. یعنی این نمازی هم که من الآن دارم

می‌خوانم، همه به برکت امام حسین علیه السلام است. نمازی که به تعبیر امام رحمته الله

کارخانه انسان سازی است.

مرحوم سید هاشم رضوی از قول مرحوم قاضی می فرمودند: شما به نمازهای پنج گانه اهمیت بدهید. قشنگ بخوانید، آداب آن را رعایت کنید و زیبا بخوانید. ریش من گرو اگر شما آدم نشدید. این نماز انسان را آدم می کند. بعد ایشان می فرمود: مرحوم قاضی سردش بود. می لرزید. وقتی به نماز می ایستاد، ما به او اقتدا می کردیم. بعد از نماز اول قبایش را در می آورد. می دیدیم که عرق کرده. چنان مستغرق یاد حضرت رب العالمین می شد که آن لرزش و سرما از بین می رفت و به برکت لطف حضرت رب العالمین برای او حرارتی حاصل می شد.

پدر بندگان خدا

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!» سلام بر تو ای پدر همه بندگان عالم. اگر او و قیامش نبود، اگر «هَيْهَاتَ مِنَّا الذُّلَّةُ» او نبود، چه کسی درس شهامت و شجاعت را یاد می گرفت. چه کسی می فهمید باید در مقابل ظالم بایستد و با آن مبارزه کند. لذا او پدر همه بندگان عالم است. هر چه عبدالله داریم، پدر همه آنها اوست.

او پدر همه عبادت هاست. زیباترین و عالی ترین عبادت، از حضرت سر

زده است. نمازی به زیبایی نماز حضرت نیست. روز عاشورا به نماز ایستاد. تیر مثل باران و تگرگ بر او و یارانش می‌بارید. شب عاشورا شب زمزمه و تلاوت قرآن است. شب نماز و دعاست. شب راز و نیاز است. همه این عبادت‌ها یا حقیقتاً یا به نحو تمثیل و تصویر در شب و روز عاشورا از حضرت سر زده است.

ابا عبدالله یعنی پدر همه بندگان عالم. وقتی به عبادت حضرت نگاه می‌کنند، خجالت می‌کشند. چه مناجات قشنگ و زیبایی! انسان آخرین لحظات عمرش در حالی که خون از بدنش می‌رود، مشغول مناجات باشد. راوی می‌گوید: نزدیک شدم. دیدم دارد می‌گوید:

صَبْرًا عَلَىٰ قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ
الْمُسْتَغِيثِينَ؛^۱ بر قضا و حکم تو صبر پیشه می‌سازم، ای
پروردگار من! خدایی جز تو نیست، ای فریادرس دادخواهان!

پدر بندگان صالح

حضرت امام زمان علیه السلام هم کنیه‌شان اباصالح است. مرحوم محدث نوری در «النجم الثاقب» این کنیه را برای حضرت نقل کرده است. اباصالح

یعنی پدر همه شایستگان و صلحای عالم. این هم خیلی معنای لطیف و ظریفی دارد. عالم به فساد و تباهی کشیده شده و به فساد و تباهی بیشتر کشیده خواهد شد. «کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۱ جهان مملو از ظلم و ستم و تجاوز و غارت و چپاول گری است. جهان، جهان فاسدی است، جهان ضد ارزش و ضد اخلاق است.

شخصی که می آید و جهان را به صلح و صفا و شایستگی می کشاند، امام زمان علیه السلام است. در نماز می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» سلام بر بندگان صالح و شایسته خدا! کسی که عباد الله الصالحین را می سازد و تربیت می کند، امام زمان علیه السلام است. ابا صالح یعنی پدر همه بندگان صالح و شایسته خدا. او عالم را یکپارچه به صلح و صفا و آشتی و صلاحیت و شایستگی دعوت می کند.

حضرت دست روی سرها می کشند، هم اخلاق کامل می شود، هم عقلها جمع می شود. در روایات آمده است: زمان حضرت به قدری صلح و صفا در جهان حاکم می شود که گرگ و میش در کنار هم زندگی می کنند. یعنی ریشه ظلم کننده می شود.

در دعای ندبه می خوانیم:

و اجْتَنَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
العالمین؛ ریشه های ظالمین و ستمگران را بر میکنی و ما
می گوئیم: الحمد لله رب العالمین.

نه ظلمی نه ظالمی و نه ریشه ای برای ظلم باقی می ماند. آن وقت است
که ما به قشنگی می گوئیم: «الحمد لله رب العالمین»
انسان دو جا از صمیم جان می گوید: «الحمد لله»؛ یک جا وقتی است
که فرمان می دهند آنها را بهشت ببرید می گوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ؛^۱ حمد و ستایش برای
خداوندی است که اندوه را از ما برطرف کرد.

یکی هم در ظهور حضرت است. وقتی ریشه ظلم و ظالم کنده شد،
می گوئیم: «الحمد لله رب العالمین». حضرت نمی گذارد ظالمی در عالم
بماند.

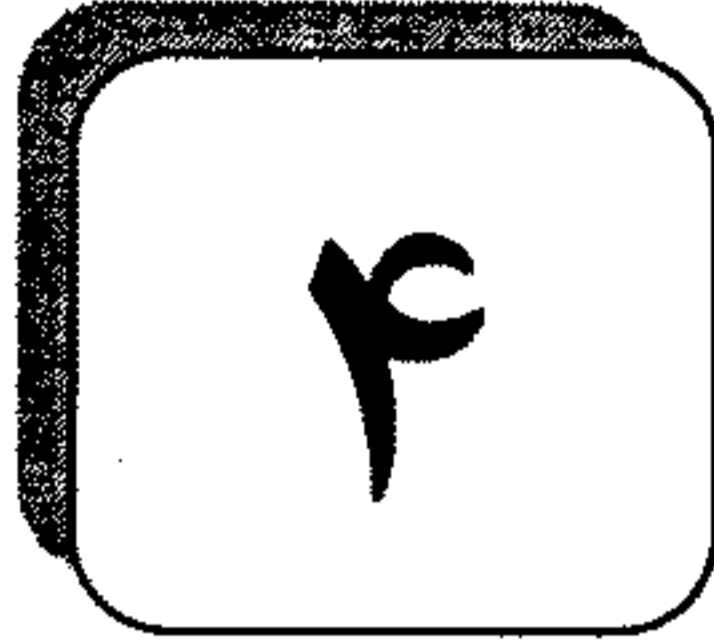
أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الكِذْبِ وَ الإِفْتِرَاءِ؛^۲ کجاست قیچی کننده و
ریز کننده ریسمان های دروغ و شایعه افکنی و نسبت ناروا

۱ - سورة فاطر، آیه ۳۴.

۲ - دعای ندبه.

دادن به این و آن.

تمام رادیوها و روزنامه‌های دروغ پرداز را از میدان بر می‌دارد.
خداوند در قرآن می‌فرماید: **يَعْبُدُونَنِي وَ لَا يُشْرِكُونَ شَيْئاً**.^۱ وقتی
حضرت ظهور می‌کند، تمام انسان‌ها خدا را عبادت و بندگی می‌کنند و
برای من شریک قرار نمی‌دهند. شرک نمی‌ورزند؛ نه شرک جلی و نه
ش_____رک خف_____ی.



أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً
مِنَ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ آبَاءٍ وَأَوْصَلَ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِي؛ پس از حمد و ثنای حضرت رب
العالمین، من یارانی باوفاتر و برتر از یاران
خودم سراغ ندارم و اهل بیتی نیکوکارتر از
اهل بیت خودم نمی شناسم.

امام حسین علیه السلام

برترین یاران

یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و یاران حضرت ولی الله الاعظم،
امام زمان علیه السلام، در بسیاری از صفات و ویژگی ها اشتراک دارند. این
اشتراک را هم قرآن و هم احادیث و روایات فراوان مطرح کرده اند. آنچه
از احادیث و روایات استفاده می شود، این است که یاران حضرت ابی
عبدالله الحسین علیه السلام بی نظیرترین و بی بدیل ترین یاران در میان همه انبیا و
اوصیا بوده اند. حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام شب عاشورا فرمودند:

أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَلَا

أَهْلَ بَيْتِ آبَرٍّ وَ أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛^۱ پس از حمد و ثنای حضرت رب العالمین، من یارانی باوفاتر و برتر از یاران خودم سراغ ندارم و اهل بیتی نیکوکارتر از اهل بیت خودم نمی‌شناسم.

حضرت فرمودند: در عصر و زمان خودم. روایت از زمان خارج است. یعنی یاران من و اهل بیت من در میان یاران همه انبیا و همه اوصیا و همه امامان معصوم برترین‌اند.

یاران سست عنصر

حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمود: من حاضرم ده نفر از یارانم را بدهم و یک نفر از یاران معاویه را بگیرم. یاران معاویه در باطلشان محکم‌اند. یاران من در حقانیتشان سست و ضعیف‌اند. هر وقت آن‌ها را دعوت به جهاد می‌کنم، بهانه می‌آورند.

آن قدر امیرالمؤمنین علیه السلام را آزرده خاطر کردند که فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَأْتُهُمْ وَ مَلُّونِي وَ سَنِمْتُهُمْ وَ سَنِمُونِي فَأَبْدِلْنِي
بِهِمْ مَنْ هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهُمْ وَ أَبْدِلْهُمْ بِي مَنْ هُوَ شَرٌّ لِي مِنْهُمْ؛^۲ اخدایا، من آنان

۱- لهوف، ص ۷۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۵.

..... برترین اهل هر عصر / ۵۹

را ملول کردم و آنان نیز مرا ملول ساختند. من آنان را خسته کردم و آنان هم مرا خسته کردند. به جای آنان بهتر از آنان را نصیب کن و به جای من بدتر از مرا نصیب آنان کن.

این شکوه و گلایه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام هم می فرماید: «وَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا؛^۱ خدا از جانب من بهترین و زیباترین پاداش را به شما عنایت کند.» یاران امام زمان هم بعد از یاران ابا عبدالله الحسین علیه السلام در جهان هستی و آفرینش حرف اول را می زنند و برترین اند.

برترین اهل هر عصر

حضرت امام العارفين علی ابن الحسین، زین العابدین علیه السلام به اباخالد کابلی فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ
أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛^۲ مردمی که در عصر و زمان غیبت امام زمان علیه السلام
به سر می برند و معتقد به امامت حضرت مهدی علیه السلام هستند و

۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷.

در انتظار آمدن او به سر می‌برند، برترین اهل هر عصر و زمان هستند.

این مربوط به کسانی است که خود را آماده کرده‌اند و در انتظار به سر می‌برند. انتظار یعنی آماده باش. آن‌ها دائماً در آماده باش به سر می‌برند. یک سرباز که در آماده باش به سر می‌برد، اسلحه به دوش است. کسانی که برای آمدن حضرت در آماده باش به سر می‌برند، برترین انسان‌های روی زمین هستند. یعنی بعد از یاران ابی عبدالله الحسین علیه السلام برترین هستند.

حق باوری

یکی از ویژگی‌های یاران ابی عبدالله الحسین علیه السلام این بود که اهل یقین و باور بودند. خدا باور، حسین باور، بهشت و قیامت باور بودند. هیچ شکی و تردیدی در حقانیت خودشان نداشتند. انسان از رجز خواندن و سخنان یاران حضرت، متوجه این نکته می‌شود. در عقاید و در تفکر شان مانند فولاد قوی، قدرتمند و محکم بودند.

شما رجز باب الحوائج الی الله، قمر بنی هاشم علیه السلام را در وقتی که دست راست از بدنش جدا شده مشاهده کنید.

وَكَلَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي
أِنِّي أُحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي

به خدا قسم اگر دست راستم را هم ببرید البته به خدا قسم پیوسته از
دینم حمایت می‌کنم.

چقدر قرص محکم حرف زده! بعد فرمود:

وَعَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ

و از امامم که یقین دارم او راست می‌گوید، نیز حمایت
می‌کنم.

این باور و یقین قمر بنی هاشم علیه السلام است.

نیست صاحب همتی در نشأتین هم قدم عباس را بعد از حسین
در هواداری آن شاه ادب جمله را یک دست بود او را دو دست

عباس علیه السلام هر دو دستش را در این مسیر تقدیم کرده است. بقیه یاران

هم همین طور، همه اهل یقین و باور بودند. ذره‌ای تزلزل به خودشان راه

ندادند. وقتی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در مسیر، خبر از شهادت داد،

فرمودند: الآن چرت می‌زدم. منادی ندا داد: این مرکب و این قافله به سمت

شهادت در حرکت است. حضرت علی اکبر علیه السلام عرضه داشت «یا اَبه اَفَلَسْنَا

عَلَى الْحَقِّ؟ آیا ما بر حق نیستیم؟» فرمود: چرا فرزندم ما بر حقیقیم. عرضه

داشت: «إِنَّ لَأَنْبَالِي بِالْمَوْتِ»^۱ حالا که ما بر حقیق از مرگ و مردن ترس و وحشتی نیست. معیار برای آنها حق بود. می دانستند بر حق اند و تا آخرین لحظه و تا آخرین قطره خون مقاومت کردند و ایستادند.

شیران بیشه کارزار

در همین رابطه بود که شب عاشورا وقتی عقيله بنی هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام به برادر عرضه می دارد: برادر نکند فردا تو را تنها بگذارند؟ امام حسین علیه السلام فرمودند:

وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَّوْهُمْ فَمَا وَجَدْتُ فِيهِمْ إِلَّا الْأَشْوَسَ الْأَقْعَسَ
يَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَنِيَّةِ ذُونِي اسْتِنَاسِ الطِّفْلِ إِلَى مَحَالِبِ أُمَّهِ^۲ من

یارانم را آزمودم آنان را شیر قهرمان بیشه کارزار یافتم. با مرگ به مانند طفلی که به پستان مادر وابستگی دارد به شیر مادر علاقه مندند.

طفل وقتی به شیر مادر می رسد می خندند و هنگامی که او را از شیر می گیرند، جیغ می زند.

۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷؛ مشیر الاحزان، ص ۴۴؛ لهوف، ص ۷۰.

۲ - مقتل مقرر، ص ۲۲۶.

یاران من با مرگ چنین انس و آشنایی دارند. وقتی مرگ به سراغشان می آید، می خندند و نعره مستانه سر می دهند. امام امت علیه السلام راجع به شهدا می گفتند: وقتی از مرگ فاصله می گیرند، غصه دار می شوند. این مربوط به یقینشان است. اگر کسی اهل یقین باشد از همه چیز دست بر می دارد.

انقلاب الهی

شما جادوگران دربار فرعون را ببینید: سحره فرعون به فرعون گفتند: اگر ما غالب شدیم چه می کنی؟ فرعون گفت: اگر غالب شدید «و انکم اذا لمن المقربین»^۱ در این صورت شما از مقربان بارگاہ منید». یعنی در حکومت شغل و منصب به شما می دهم. وقتی موسی علیه السلام غالب شد، سحره فرعون چون اهل فن بودند، فهمیدند کار موسی از روی حقیقت است، جادو نیست؛ چون عصای موسی ازدها شد و همه وسائل جادو را بلعید و دوباره به صورت عصا در آمد. و این جز حقیقت چیزی نمی تواند باشد. بعد از دیدن حقیقت داد زدند: «امنا پررب العالمین رب موسی و هارون»^۲ ما به پروردگار جهانیان، پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم.»

۱- سوره شعراء، آیه ۴۲.

۲- سوره شعراء، آیه ۴۸ - ۴۷.

یارم چو قدح به دست گیرد بازار بتان شکست گیرد

این‌ها همه بت بودند. همه شکست خوردند. حضرت موسی قدح در دست داشت و آن‌ها را شکست داد. فرعون به سحره گفت: قبل از این که از من اجازه بگیری، ایمان آوردیدی؟! شما را به درخت‌های خرما آویزان می‌کنم. دست‌ها و پاها را بر خلاف هم قطع می‌کنم. گفتند: هر کاری دلت می‌خواهد انجام بده، هیچ مانعی ندارد. تو خیال کردی ما از مرگ و جدایی دست و پا می‌ترسیم. «إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»^۱ ما به سوی پروردگارمان دگرگون شدیم.» از این رو به آن روشدیم. تا دیروز دنیا دوست بودیم، امروز خدایی شدیم. ما یقین کردیم موسی راست می‌گوید. هر کاری دلت می‌خواهد انجام بده.

از باور خیلی کار می‌آید. ضعف بشر در باور است. بین خداوند در قرآن می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا»^۲ ای مؤمنین ایمان بیاورید.» یعنی اگر خوب ایمان نیاورده‌اید و خوب باور نکرده‌اید و با زبان ایمان آورده‌اید، بیایید با قلب و دل ایمان بیاورید.

۱ - سورة شعراء، آیه ۱۲۵.

۲ سورة نساء، آیه ۱۲۵.

این ویژگی یاران حضرت ابا عبدالله علیه السلام بود. لذا در شب عاشورا مسابقه می دادند. یکی از اصحاب با بریر شروع به شوخی کرد. بریر برگشت و به او گفت: امشب هم شب شوخی است؟! گفت: اتفاقاً امشب شب شوخی است. فردا به وصال می رسیم. همه هجران ها به پایان می رسد. و فردا - انشاء الله - به لقاء می رسیم. امشب شب شوخی است. این چنین وصال و وعده های حضرت ابي عبدالله الحسين علیه السلام باور کرده بودند.

دل های آهنین

یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز اهل یقین و باورند. امام صادق علیه السلام فرمود:

كَنَزٌ بِالطَّالِقَانِ مَا هُوَ بِذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ رَايَةٌ لَمْ تُنْشَرْ مِنْذُ طُوبَيْثٍ وَ رِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ؛ در طالقان گنجی

است که طلا و نقره نیست، و پرچمی است که از زمانی که

پیچیده شده است، باز نشده. و مردانی که قلوبشان همانند

تکه های آهن است.

حدود هجده نفر از سیصد و سیزده نفر یاران حضرت در طالقان هستند.

منطقه عجیب و غریبی است. حالا این طالقان کدام طالقان است، نیازمند

بحث مفصلی است. طالقان کرج یا طالقان مازندران. در آنجا سادات محله دارند. طالقان جای دگر است. آن‌ها مردانی هستند که گویا دل‌هایشان مثل تکه آهن منی‌ماند. هیچ شکی مخلوط قلوب این‌ها نمی‌شود. ذره‌ای شک و تردید در مسیر و راهشان وجود ندارد. با صلابت قرص و محکم هستند. همه دنیا شک و تردید می‌کنند در اینها شک و تردید نیست.

این گونه نیست که با القا شبهات از پای در بیایند. به هیچ وجه در اعتقاداتشان متزلزل نمی‌شوند. برخی افراد مذبذب هستند؛ مثل بوقلمو. «هر لحظه به شکلی بت عیار در آمد.» به رنگ‌های مختلف. گاهی مؤمن، گاهی کافر، گاهی منافق، گاهی مرتد، گاهی سست. ولی یاران حضرت اهل این حرف‌ها نیستند. در عقاید و در تفکرات خود قرص و محکم‌اند. و این یک ویژگی مشترک بین یاران اباعبدالله و یاران حضرت مهدی علیه السلام است.

ارادتی عاشقانه

دومین ویژگی زیبای یاران حضرت ولی الله الاعظم، امام زمان علیه السلام و یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام عشق به امامان معصوم علیهم السلام است. یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام همه عاشقانه و پروانه وار به گرد وجود آن حضرت می‌گشتند.

ما در ره عشق تو اسیران بلائیم

کس نیست چنین واله و شیدا که ماییم

بر ما نظری کن که در این شهر غریبیم

بر ما کرمی کن که در این ملک گداییم

ما را نه غم دوزخ و نه شوق بهشت است

بر دار ز رخ پرده که مشتاق لقاییم

ما را ز تو سرّی است که کس محرم آن نیست

گر سر برود سرّ تو با کس نگشاییم

همه وجودشان حسین بود. یک آخ در وجودشان نبود. میدان می رفت

و فریاد می زد «**أَمِيرِي حُسَيْنٌ وَ نِعْمَ الْأَمِيرُ**؛ امیر من امام حسین است و چه

زیبا و نیکو امیری است.»

یاران شیدایی

مسلم بن عقیل با حقه و نیرنگ دشمن دستگیر شد و الا نمی توانستند او

را دستگیر کنند. با شجاعت می جنگید. پانصد نفر به سر کردگی محمد ابن

اشعث به جنگ یک نفر آمده بودند. همه را تار و مار کرد. محمد ابن اشعث به ابن زیاد پیغام داد که نیرو بفرست.

گفت: خاک بر سرت کنم! پانصد نیرو به تو داده‌ام نتوانستی یک نفر را دستگیر کنی. گفت: تو خیال می‌کنی من را به جنگ یک آدم معمولی عادی فرستاده‌ای «بَعَثْتَنِي إِلَىٰ صَدْرِ غَامٍ» مرا به سوی یک شیر بیشه فرستاده‌ای. او شیر است. مگر می‌توان در برابر شیر کاری کرد، افراد را می‌گرفت به پشت بام پرت می‌کرد. چه قدر اهل یقین بود. خودش را نباخته بود. بعد از دستگیری، دست‌هایش بسته بود. می‌داند به شهادت خواهد رسید. وقتی وارد قصر شد، گریه می‌کرد. ابن زیاد گفت: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: تو خیال می‌کنی من به خاطر خودم گریه می‌کنم. من برای حسین زهرا گریه می‌کنم. نامه نوشتم آقا جان بیا. برای خودم گریه نمی‌کنم، خودم به فدای امام حسین علیه السلام! به این می‌گویند عشق. خودش را فراموش می‌کند و به یاد معشوق و محبوب است. همه یاران، عاشق و شیدا و واله حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بودند. محو جمال حضرت بودند.

دل من رای تو دارد	سر سودای تو دارد
دل من مست خیالت	سر من محو جمالت
گوهر دیده نثار	کف دریای تو دارد

زخم تیر و شمشیر می خورد، ولی احساس درد نمی کند. آنان عاشقانی بی نظیر و بی بدیلی بودند. پروانه وار به گرد وجود آقا امام حسین علیه السلام می گشتند.

اطاعتی خالصانه

یاران حضرت ولی الله الاعظم حضرت مهدی علیه السلام نیز عاشقانی سر از پا نشناخته امام زمان علیه السلام هستند. در همان روایت و حدیث معروف طالقان نیز آمده است:

و هَمَّ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَّةِ لِسَيِّدِهَا؛ از نظر اطاعت، از یک کنیز در برابر مولا مطیع ترند.

همان طور که یک کنیز خودش را مالک نمی داند و اربابش هر دستوری بده انجام می دهد، این حالت در یاران امام زمان بیشتر و قوی تر است. نفرموده عبد؛ چون عبد یک قدرتی دارد و ممکن است فرار کند. عبد آبق و فراری داریم، ولی کنیز فراری نداریم. عبد آبق ممکن است یک سیلی به گوش مولا و سرورش بزند، اما کنیز ضعیف تسلیم محض است. یاران امام زمان علیه السلام در اطاعت و پیروی از امام زمان علیه السلام مطیع تر و فرمانبردارتر از کنیزکان اند.

بوسه گه اهل نظر

ویژگی دوم یاران امام زمان علیه السلام این است:

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ وَ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَاتِ؛ به زین اسب

امام زمان علیه السلام دست می کشند و به آن تبرک می جویند.

گر مسیر نشود بوسه زخم پایش را هر کجا پای نهاد بوسه زخم جایش را

جایگاه امام زمان علیه السلام را بوسه می زنند و تبرک می کنند.

هر زمینی که نشان کف پای تو بود سال ها بوسه گه اهل نظر خواهد بود

حمایت عاشقانه

ویژگی سوم یاران امام زمان علیه السلام چنین است:

«يَقْوَنَهُ بِأَنْفُسِهِمْ وَ يَكْفُونَهُ مَا يَرِيذُ فِيهِمْ». حضرت را با جانشان و با

وجودشان حفظ می کنند و از امام زمانشان حمایت می کنند. هر چه امام

زمان علیه السلام از آنها می خواهند و و اراده می کنند، انجام می دهند. «از تو به

یک اشاره از من به سر دویدن.» امور حضرت را کفایت می کنند.

یاران امام زمان علیه السلام و یاران حضرت سید الشهداء، هر دو این دارای این

ویژگی هستند.

عبادت و راز و نیاز

حضرت اباعبدالله علیه السلام به بالین حبیب بن مظاهر آمدند و فرمودند: «لله درکة یا حبیب؛ خوبی و احسان تو به ما برای خدا بود، نه چیز دیگر خدا حساب می کند.» بعد فرمود: «لَقَدْ كُنْتُ فَاضِلًا تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ؛^۱ ای حبیب، چه برگزیده مردی بودی. در یک شب ختم قرآن می کردی!» من یک جزء قرآن نمی خوانم، اما حبیب بن مظاهر یک ختم قرآن می کرد. هفتاد و دو سر آوردند و وارد مجلس یزید کردند. یک سر بود که خیلی جلب توجه یزید کرد. دید از این سر نور می بارد. سیمای صلحا و شایستگان دارد. پیشانی اش آثار سجده های طولانی دارد. گفت: این سر کیست؟ گفتند این سر بریده قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام است. شب عاشورا را برای زمزمه مهلت گرفتند.

به یا رب یا رب شب زنده داران به امید دل امیدواران
راوی می گوید: یاران حضرت «ما بین راکع و ساجد و قائم؛^۲ مشغول رکوع و سجود و قیام و عبادت بودند.» شب عاشورا تا صبح مشغول ذکر و

۱ - دمع السجوم، ص ۱۴۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۴.

قرآن و زمزمه و یا رب یا رب بودند.

همچون زمزمه زنبور عسل

چنین افرادی با چنین ویژگی باید هم یار امام حسین علیه السلام باشد. باید اهل دل و اهل شب و اهل راز و نیاز باشد. یاران امام زمان علیه السلام هم دقیقاً همین طورند. در روایت آمده است: «لَهُمْ دَوَىٌّ كَدَوَىِّ النَّخْلِ»^۱ زمزمه زنبور عسل را شنیده‌اید؟ قشنگ و جالب و زیباست. بعضی از بندگان خوب خدا در دل شب بلند می‌شوند، گاهی قطرات اشکی می‌ریزند. بعضی‌ها با صدای بلند گریه می‌کنند، اما زود آرام می‌گیرند. می‌گویند باران بلند علامت این هست که زود از کار می‌افتد. برگ‌های درشت زود می‌افتد. اما بعضی زیبا زمزمه و گریه می‌کنند. گریه آن‌ها قشنگ و زیباست. مثل زنبور عسل زمزمه و گریه می‌کنند. زمزمه ویژه و خاصی دارند.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند که آه نیمه شبی رفع صد بلا بکند

یاد نماز

ویژگی دیگر یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام این است که اهل نماز بودند. ظهر عاشورا در برابر امواج گلوله‌های دشمنان با قامت جاودانه

تاریخ به امامشان اقتدا کردند. الله اکبر گفتند و به رکوع و سجده رفتند و نمازشان را خواندند. شب عاشورا هم همین طور. لذا در برابر آنها شهادت می دهیم: «أَشْهَدُ أَنْكُمْ قَدْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ؛ شهادت می دهیم که شما نماز را به پا داشتید و زنده کردید.»

ابو ثمامه صیداوی ساعدی هم نگاهی به آسمان کرد و به امام حسین علیه السلام گفت: یا ابا عبدالله، به خدا قسم دوست دارم قبل از شما به شهادت برسم. من پیش مرگ شما هستم. از شما دفاع می کنم. تا زنده باشم، نمی گذارم آسیبی به شما برسد، ولی دوست دارم نمازی هم با شما بخوانم، بعد به شهادت برسم. حضرت نگاهی به آسمان کردند و فرمودند: «ذَكَرْتُ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛^۱ ما را به یاد نماز انداختی، خدا تو را از نماز گزاران و یادآوران و ذاکرین خودش قرار بدهد.»

این منطق یاران حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود. قرآن هم درباره یاران امام زمان علیه السلام می فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۲ اگر قدرت و توانایی به یاران حضرت مهدی علیه السلام ببخشیم از

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱؛ ابصار العین، ص ۷۰.

۲- سوره حج، آیه ۴۱.

قدرتشان استفاده می کنند و نماز را به پا می دارند و نماز را زنده می کنند. جامعه را به خواندن نماز با آداب ظاهری و با آداب باطنی فرمان می دهند.

از دیگر اشتراکاتی که بین یاران حضرت مهدی علیه السلام و حضرت اباعبدالله علیه السلام وجود دارد، این است که یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام برای دفاع از حریم امامت و ولایت برخاستند. حضرت قاسم ابن الحسن علیه السلام وقتی می خواست خودش را معرفی کند، فرمود:

ان تَنكروني فانا ابنُ الحسنِ
هذا حسينٌ كالأسيرِ المرتهنِ
سَبَطَ النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى وَ
الْمُؤْتَمَنِ
بَيْنَ أَنْاسٍ لَأَسْقُوا صَوْبَ
الْمَازِنِ

اگر من را نمی شناسید من قاسم فرزند امام حسن مجتبی هستم. من از نوادگان رسول الله هستم. این حسین است که در محاصره شماس است. آن گاه نفرین کرد که خدایا ابر باران دار بهشان نده. ای ابرها بر این اعداء و دشمنان امامت و ولایت باران نیارید.

مسلم بن عوسجه به زمین افتاده است. آخرین انفاس قدسیه خود را طی می کند. حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بالین مسلم بن اوسجه آمده اند.

حیب بن مظاهر هم در جوار حضرت آمد. حیب گفت: من اگر بعد از تو می‌ماندم، دوست داشتم وصیت تو را بشنوم و به وصیت تو عمل کنم، ولی من هم به تو ملحق می‌شوم. الآن وقت ندارم به وصیت عمل کنم. دید مسلم بن عوسجه زیر لب چیزی می‌گوید. صدا ضعیف و قابل شنیدن نیست. گوشش را نزدیک لب‌های مسلم آورد تا ببیند چه می‌گوید. دید می‌گوید: «أوصیک بهذا رَحِمَكَ اللهُ أَنْ تَمُوتَ دُونَهُ» تو را به این مرد سفارش می‌کنم که جان خود را فدای او کنی.» یعنی چرا وقت داری به وصیت من عمل کنی. وصیت من این است که این آقای مظلوم را تنها نگذاری. یاری‌اش کن.

یاران امام زمان علیه السلام هم یکی از سفارش‌هایشان شعار دفاع از ابی عبدالله الحسین علیه السلام است. در شعارهایشان می‌گوید: «یا لثاراتِ الحُسَینِ» و «أَمِثْ».

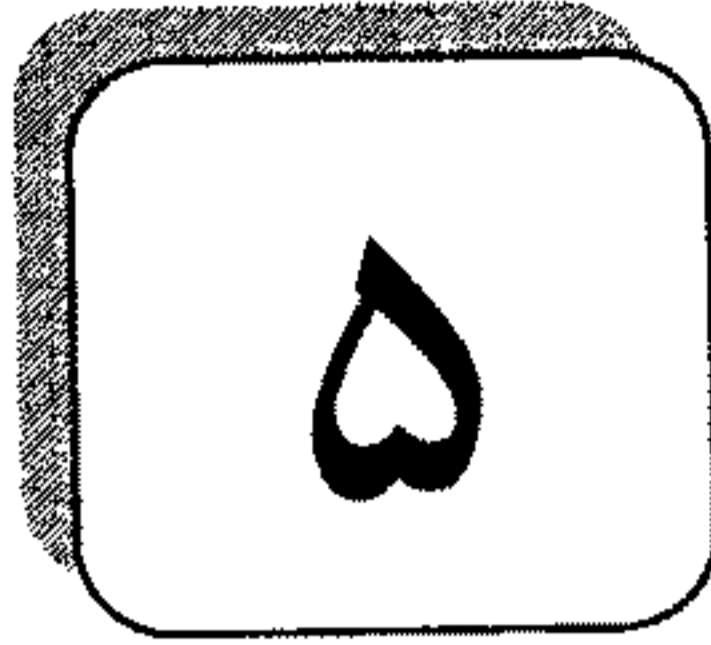
شعار دیگر اصحاب امام حسین علیه السلام نابودی جهالت بود. نابودی یزید و یزیدیان بود. قیام آن حضرت به خاطر این بود که جهل و نادانی مردم را از بین ببرند و به آن‌ها بفهمانند یزید لیاقت رهبریت جامعه را ندارد. یاران امام زمان علیه السلام هم دقیقاً برای این شعار حرکت می‌کنند. در احادیث و روایات ما

وارد شده است که یکی شعار یاران ولی الله الاعظم این است: «یا نُثاراتِ الحُسین».

ای کسانی که یک عمر در زیارت عاشورا در محافل و مجالستان فریاد می‌زدید. «فَأَسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ خدایا به من رزق و روزی کن که در جوار امام زمان عليه السلام خونخواه امام حسین عليه السلام باشم و انتقام خونش را بگیرم. جالب این است که این مطلب دوبار در زیارت عاشورا مطرح شده است. یک بار به عنوان امام منصور و یک بار هم «مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ». این شعار، شعار دفاع از امامت دفاع و ولایت است. دفاع از خط و مسیر حضرت ابی عبدالله الحسین عليه السلام است.

شعار دیگرشان هم این است: «أَمِثْ أَمِثْ» یعنی بمیران. جاهلیت دشمنان را بمیرانید. اسرائیل غرب و رسوم جاهلیت را بمیرانید. سکولار، لیبرال و لائیک را بمیرانید. هر چه جز قرآن و مکتب اسلام است، هر چه جز امامت و ولایت و ارزش‌های دینی و الهی است.

این شعار، شعار یاران حضرت ابی عبدالله الحسین عليه السلام بود که آمده بود در کربلا تا همه رسوم جاهلیت را بمیرانند.



يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ
الْبَرَكَاتِ وَ يَحْفُونَ بِهِ يَفُونَ بِأَنْفُسِهِمْ فِي
الْخُرُوبِ وَ يَكْفُونَ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ رِجَالٌ لَا
يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ نَوْمٌ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى
النَّخْلِ يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ
عَلَى خِيُولِهِمْ؛ به زین اسب امام زمان دست
می کشند و به آن تبرک می جویند.
گرداگرد آن حضرت را می گیرند و در
جنگ‌ها خود را سپر بلای حضرتش
می کنند و آنچه را اراده کند، به جا آورند.
در میان اصحاب حضرت کسانی هستند که
شب‌ها نمی خوابند و همچون زنبور عسل
زمزمه می کنند.

امام صادق علیه السلام

تشابه یاران

وقتی به مجموعه صفات اصحاب و یاران این دو امام همام و معصوم
می‌نگریم. این اصحاب را بسیار به هم نزدیک می‌بینیم. شاید بتوانیم ادعا
کنیم نزدیک‌ترین اصحابی که با هم پیوند و ارتباط تنگاتنگ دارند، یاران

امام زمان و یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام هستند. مجموعه روایات و تاریخ کربلا که نگاه می کنیم به این نتیجه می رسیم.

أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي؛^۱

حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: من اصحاب و یارانی باوفاتر و برتر از اصحاب و یاران خودم سراغ ندارم.

در جهان خلقت و آفرینش حرف اول را اصحاب و یاران حضرت می زنند. این تقدم اصحاب امام حسین علیه السلام را بر اصحاب انبیاء اوصیاء و اولیا می فهماند. در صدد مقایسه نیستم و گرنه نکته های بسیار ظریف و زیبایی برای مقایسه وجود دارد. این وضعیت یاران ابی عبدالله الحسین علیه السلام است که حضرت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام نیز یک چنین شهادتی را در عظمت یاران حضرت داده اند.

فلسفه قیام

بحث دوم فلسفه قیام است. حضرت به چه فلسفه ای قیام کردند و تاریخ منور و فرهنگ جامع و کامل زیبای کربلا را به وجود آوردند. خود حضرت در سخنان شریفشان فلسفه قیامشان مطرح فرمودند. همه فلسفه های

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲؛ الارشاد، ج ۲، ص ۹۱.

آن قیام، دقیقاً در فلسفه و قیام حضرت آقا امام زمان علیه السلام هم وجود دارد، بدون کم و کاست. اصلاً ظهور امام زمان علیه السلام برای تحقق همه فلسفه‌های کربلا است. این هم یک ارتباط تنگاتنگ بین کربلا و بین قیام حضرت. نکته سوم ارتباط تنگاتنگ و اشتراکی است که بین حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد. این هم خودش زیباست.

شهادتگاه عشاق

یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام یک ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد داشتند. یک ویژگی شان ویژگی عشق محبت استثنایی، هم نسبت به خدا و هم نسبت به ابی عبدالله الحسین علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرمودند: حضرت مولی الموحدين امیر المؤمنین علیه السلام بعد از جنگ صفین وارد سرزمین کربلا شدند. دیدم حضرت منقلب شدند. بعد از انقلاب این جمله را فرمود:

إِنَّ هَاهُنَا مَصَارِعَ عَشَاقٍ شُهَدَاءَ لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ؛^۱ این سرزمین، سرزمین شهادت عاشقان شهیدی است که احدی از گذشتگان و احدی از آیندگان

۱- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۵، ح ۱۸.

قدرت مسابقه و مقایسه با آنها را ندارند.

حضرت تعبیر به عشاق فرمودند: زیباترین تعبیر، تعبیر به عشق است. وقتی به لغت مراجعه می‌کنیم، عشق این گونه را معنا کرده‌اند. عشق یک نوع گیاه است که هر چه را در مسیرش پیدا کند به گرد او می‌گردد و بالا می‌رود. شبیه نیلوفر که هر چیزی باشد دور آن می‌گردد و بالا می‌رود. عاشق را از این نظر عاشق می‌گویند که به گرد معشوق می‌گردد و بس. به غیر از معشوق به چیز دیگری نمی‌اندیشد.

عاشقان کشتگان معشوق‌اند بر نیاید ز کشتگان آواز

این حال اصحاب امام حسین علیه السلام روز عاشورا بوده است. جز به

حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام به چیز دیگری فکر نمی‌کردند. اگر ما

بخوایم زبان حالشان را به تصویر شعر بکشیم باید بگوییم:

ما در ره عشق تو اسیران بلائیم

کس نیست چنین واله و شیدا که ماییم

بر ما نظری کن که در این شهر غریبیم

بر ما کرمی کن که در این ملک گداییم

ما را نه غم دوزخ و نه شوق بهشت است

بردار ز رخ پرده که مشتاق لقاییم

ما را ز تو سرّی است که کس محرم آن نیست

گر سر برود سرّ تو با کس نگشاییم

روایت آمده است: «الْمُؤْمِنُ غَرِيبٌ»^۱ چون دنیا منزل او نیست. خانه من و شما اینجا نیست. منزل ما جای دگر است.

من ملک بودم فردوس برین جایم بود

آدم آورد در این دیر خراب آبادم

این زبان حال یاران خامس آل ابا حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بود.

وقتی حضرت مرخصشان می کردند، می افتادند و پای حضرت را می بوسیدند.

نافع مگر این کار را نکرد؟ پای حضرت را می بوسید. قاسم مگر التماس

نمی کرد؟ بچه گاهی که از پدرش خواهش و تمنایی دارد، برای اینکه به

خواهشش برسد، حالت شیرینی پیدا می کند. حضرت قاسم دید عمو اجازه

نمی دهد. دست هایش را روی زانوی عمو گذاشته و یک پا را جلو می آورد

و یک پا را عقب می برد. عمو تو را به خدا به من اجازه بده! خواهش و اصرار می کند تا از امام حسین علیه السلام اجازه بگیرد. آخر الامر نوشته ای را نشان حضرت داد. امام حسن علیه السلام نامه ای نوشته بود که حضرت قاسم علیه السلام به بازو اش بسته بود که روز عاشورا برادرم را یاری کن.^۱

تبرک عاشقانه

اگر به تک تک اصحاب حضرت نگاه بکنیم، همه آنها عاشق و واله بودند. یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز عاشق خدا و عاشق حضرت اند.

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام زمان علیه السلام فرمودند:

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ علیه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَاتِ وَ يَحْفُونَ

بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْخُرُوبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ رِجَالٌ

لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبِيثُونَ

قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ؛^۱ به زین اسب

امام زمان دست می کشند و به آن تبرک می جویند. گرداگرد

آن حضرت را می گیرند و در جنگ ها خود را سپر بلای

حضرتش می کنند و آنچه

۱ - مدینه معجز، ج ۳، ص ۳۶۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲

را اراده کند به جا آورند. در میان اصحاب حضرت کسانی هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و همچون زنبور عسل زمزمه می‌کنند.

«لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ؛ یاران حضرت شب‌ها نمی‌خوابیدند.» چرا نمی‌خوابند؟ چون «لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيٍّ النَّخْلِ؛ در نمازشان به مانند زنبور عسل گریه می‌کنند.» گریه‌ها و زمزمه‌های قشنگ.

به یا رب یا رب شب زنده داران به امید دل امید واران در کلاس توحیدند. در کلاس عشق به خدا به سر می‌برند.

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ؛ به زین مرکب امام زمان علیه السلام تبرک می‌جویند.

اصحاب و یاران می‌آیند دست‌هایشان را به زین مرکب حضرت می‌کشند و به نیت تبرک به سر و صورت خود می‌مالند. این نهایت عشق است. انسان وقتی به کسی عشق می‌ورزد، به وجود او تبرک می‌جوید. در دیوار خانه‌اش را می‌بوسد. ضریح مطهر و مقدسش را می‌بوسد. این علامت و نشانه عشق است. وهابی‌ها دست را می‌بوسند، ولی حاضر نیستند ضریح مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بوسند. چقدر آدم باید بدبخت و بیچاره باشد!

هر که گریزد ز خراجات شام باج ده قول بیابان شود

باید به فهد و امثال او باج دهد. وقتی که از حقیقت منحرف شود، این امر طبیعی است.

فانی در ولایت

امام صادق علیه السلام فرمودند: یاران امام زمان علیه السلام مطیع ترند نسبت به حضرت از کنیز نسبت به سیدش. یک کنیز چگونه با همه وجود از سید و مولایش اطاعت می کند، یاران امام زمان از او مطیع تر و قویترند. گویا فانی در ولایت و وجود امام زمان علیه السلام شده اند. این نهایت عشق یاران را به حضرت می رساند.

«وَ يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ» انسان که تقاضایی دارد. گاهی تقاضایش را به زبان می آورد و کسی آن را انجام می دهد. و گاهی کسی چنان دست به سینه و چاکر و نوکر است که فقط نگاه می کند به محبوبش ببیند چه می خواهد. فراست هم دارد. از حرکات و سکنات محبوبش به اراده او پی می برد و آن را انجام می دهد. اصحاب امام زمان این گونه اند. حضرت اراده می فرماید و آنها امور حضرت را کفایت می کنند. فقط منتظر اشاره حضرت هستند.

از توبه به یک اشارت از من به سر دویدن

دور حضرت را احاطه می کنند و در جنگ ها از جان حضرت محافظت می کنند. «يَخْفُونَ بِهِ يَقْوَنَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْخُرُوبِ» سپر بلای جان حضرت اند. وجود منور حضرت را با جان خود حفظ می کنند. در حقیقت فدایی امام خویش هستند. همان عشق یاران ابی عبدالله الحسین علیه السلام در وجود یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام هم هست.

اما فلسفه قیام امام حسین علیه السلام را در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اقامه نماز به زنده کردن پیام نماز است. اقامه نماز مگر با امامت و ولایت ممکن نیست. اقامه نماز منهای امامت و ولایت محقق نمی شود. خیال نکنیم که به یک چیز ساده ای شهادت می دهیم.

پیام نماز، پیام «هیهات منا الذله» و پیام عزت بود. پیام نماز، پیام مدد از ولایت بود. بای «بسم الله» بای استعانت است. علی علیه السلام فرمودند: «أَنَا النَّقْطَةُ^۱ مِنْ نَقْطَةٍ هَسْتُمْ» نقطه زیر با. نماز و عبادت ما به مدد ولایت است.

«آتَيْتَ الزَّكَاةَ» یعنی زکات مال و جان و بچه و آبر را دادی. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا همه نوع زکات پرداخت. امر به معروف و نهی از

منکر کرد.

قرآن هم درباره یاران امام زمان علیه السلام چنین فرموده است:

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَ
أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.^۱

حضرت وقتی که تشریف می آورند، اولین کاری که می کنند، بعد از

معرفی اجمالی نیم دقیقه ای، روضه آقا امام حسین علیه السلام را می خوانند: «یا أَهْلَ

الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا»^۲ ای اهل عالم، بدانید که جدم حسین

را با لب تشنه به شهادت رساندند.»

۱ - سوره حج، آیه ۴۱.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲.

کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. بحار الانوار، علامه ملا محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۳ م.
۳. الکافی، الشیخ محمد بن یعقوب الكلینی، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۴. نهج البلاغه، با ترجمه محمد رضا آشتیانی و محمد جعفر امامی، نشر امام علی علیه السلام، قم، ۱۳۶۹ ش.
۵. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، با ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۶. الامالی، محمد بن علی بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۷. اقبال الاعمال، سید ابن طاوس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.

٨. المصباح، ابراهيم بن علي عاملي كفعمي، انتشارات رضى، قم، ١٤٠٥ هـ.
٩. الاحتجاج، ابو منصور احمد الطبرسي، مؤسسة الاعلمى، بيروت، ١٩٨٩ م.
١٠. لهوف (الملهوف) على قتلى الطفوف، على بن موسى بن جعفر بن طاوس، دارالاسراء، ١٣٨٣ ش.
١١. مقتل الحسين، خوارزمي، مكتبة المفيد، قم.
١٢. مقتل الحسين، سيد عبدالرزاق المقرم، آل علي عليه السلام، قم، ١٤٢٤ ق.
١٣. المناقب، الشيخ محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني، دارالاضواء، بيروت، ١٩٩١ م.
١٤. مشير الاحزان، ابن نما الحلبي، منشورات مدرسة الامام المهدي، قم، ١٤٠٦ ق.
١٥. دمع السجوم (ترجمه نفس المهموم)، ميرزا ابو الحسن شعراني، علميه اسلاميه، تهران، ١٣٧٤ ق.
١٦. ابصار العين في انصار الحسين عليه السلام، شيخ محمد بن طاهر سماوي، الشريف الرضى، قم.
١٧. الارشاد، محمد بن محمد بن النعمان العكبري (شيخ مفيد)، مؤسسة الاعلمى، بيروت، ١٩٨٢ م.
١٨. مدينة معاجز، سيد هاشم بحراني، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، ١٤١٤ ق.
١٩. الزام الناصب في اثبات الحجة القائب (عج)، شيخ علي يزدي حائري، منشورات مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م.